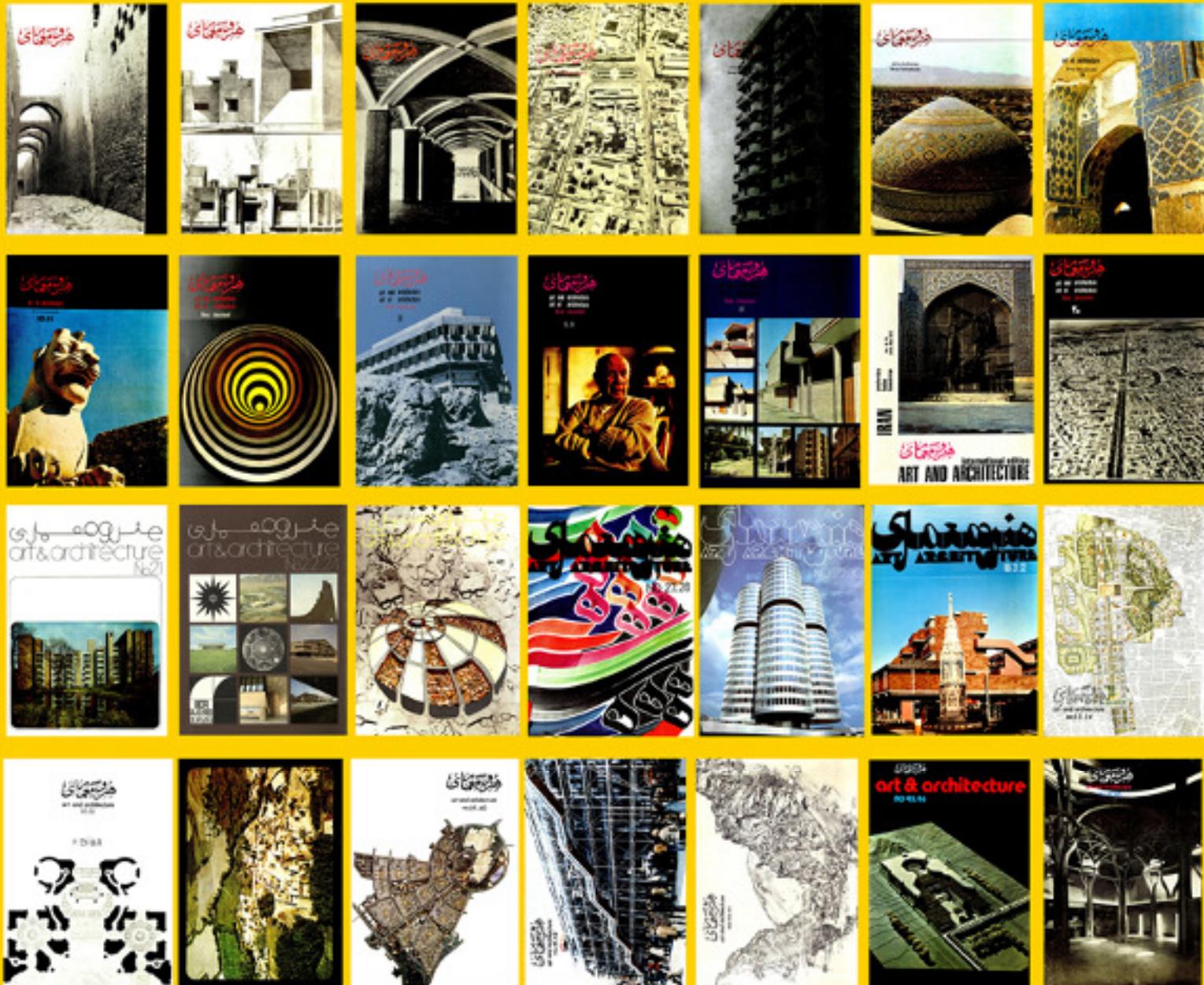


هُنر و مَعْمَاری

art and architecture



به نام خدا

چندی بود که فکر ثبت و ضبط مجموعه کامل مجله تخصصی "هنر و معماری" که در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۵۸ خورشیدی با تلاش چندی از اساتید هنرمند و معماران فرهنگ دوست تهیه و انتشار یافته بود به ذهن اینجاتب رسید، تا بتوان اطلاعات ارزشمندی که پیرامون هنر و معماری سالهای گذشته ایران که در این مجموعه جمع آوری شده است در معرض دید داشتجویان، اساتید، محققین و سازمان‌های مرتبط با هنر، معماری و شهرسازی کشور قرار گیرد. در ابتدا با مهندس عبدالحمید اشراق گفتگو و اجازه ایشان به عنوان سردبیر مجله گرفته شد. نهایتاً و در ادامه پس از چندین ماه تلاش، مجموعه کامل ۴۸ شماره‌ای مجله "هنر و معماری"، در بهار سال ۱۳۹۱ تصویر برداری و مستندسازی گردید. امید است تا علاقه مندان از این مجموعه تخصصی و ارزشمند حد اکثر بهره برداری را بنمایند.

در انجام این پروژه افرادی به شرح ذیل دخیل بودند که بدون یاری و مساعدت آنان این فعالیت فرهنگی و تحقیقاتی میسر نمی‌گشت.
بررسی و ریاست محترم کتابخانه‌ی "مرکز استاد تخصصی فنی و مهندسی" (وابسته به سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران) که مسئولیت تصویر برداری از مجلات را به عهده داشتند.

• آقای دکتر کمالی، مهندسین مشاور دایره و مهندسین و افرادی که مجموعه آرشیو شخصی مجلات خود را در اختیار اینجاتب قرار دادند.

• آقای مهندس نور علیوند که مساعدت و پیگیری ایشان در انجام این مهم بسیار سودمند بود.

• تارنامی پژوهشی "معمارت" که زحمت انتشار این مجلات را بر عهده گرفته است.

• و نهایتاً حمایت‌های فکری و معنوی آقای مهندس عبدالحمید اشراق که در تهیه و ثبت این استاد، بسیار ارزشمند بوده است.

"پروژه تاریخ شفاهی معماری معاصر ایران"
آرش طبیب زاده نوری
۱۳۹۱

E-mail: archoralhistory@gmail.com

هنر و معماری

art et architecture

Revue Internationale

10.11





آپارتمانهای ده اشکوبه افراان

تهران - اول پارک وی

کارفرما: شرکت آنکا - مهندسین مشاور: مرجان - اجرا: کنده: شرکت نیکام

شرکت با مستولت محدود



موزائیک ناهید محصول آخرین تکنیک سیمانکاری در ایران

طبقات آپارتمانهای ده طبقه افراان در بلوکهای متعدد خود تماماً از موزائیک ناهید پوشش شده است.

موزائیک ناهید با استاندارد جهانی و غلظتمندین ماشین های اتوماتیک: سایش، پرس و هیدرولیک و دویست کیلو گرم فشار تولید میگردد.

موزائیک ناهید در انواع طرح های نویا مصرفی سه شله ماشینی و همچنین سیمان پر تلند تهران دارای مشخصاتی کمتر و استقاماتی بیشتر است.

موزائیک ناهید در خدمت آرشیتکها، مهندسین مشاور و پیمانکاران

نایتکاه: خیابان پهلوی - رو بروی پیمارستان شماره یک ازش - ۵۹۳

کارخانه: خیابان آبراهوار - اول گوچه مهدیه طرش

تلفن ۰۵۲-۶۲۱-۵۲ - ۰۵۲-۶۲۱-۵۲ - کارخانه ۹۷۰۴۵۶ - لکترافن ۵۹۳



art architecture

هنر و معماری

شماره مخصوص

۱۰ - ۱۱ سال سوم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول عبدالحکیم اشراق

همکاران :

مسئول اداره پخش‌های مجله	علی‌اکبر خرم‌نژادی
» بخش معماری	محسود ارجمندی
» بخش روابط بین‌المللی	مادام دوال
» بخش فرانسه	خانه ترجمه
» بخش انگلیسی	نادر و مویرا موزر، خلیلی
» بخش فارسی	فریدون چنیدی
» طرح آگهی‌ها	یونس جوادزاده
» عکس روی جلد	از آثار تحت چشمید

زیر نظر هیأت تحریر به
ناشر افکار مهندسان و هنرمندان
تیر - آذر ۱۳۵۰

تکشماره ۳۰۰ ریال دانشجویان ۳۰۰ ریال

آبونمان :

داخل کشور سالیانه ۶۰۰ ریال
خارج از کشور ۱۱ دلار
دانشجویان ۴۰۰ ریال

مجله هنر و معماری بطور قصلی و در هرسال
۴ شماره با نهایی فاصله، فرانسوی انگلیسی
 منتشر می‌شود

متالات عقاید شخصی نویسندگان است
اقتباس از متالات و عکسها بدون اجازه کتبی ممنوع است

نشانی اداره مجله : شاهرضا، روپرتوی دانشگاه تهران، شماره ۴۵۶
اشکوب سوم، آپارتمان شماره ۶ - تلفن ۴۱۴۱۷

چاپ افت و مسطح : زیبا - تهران
تلفن : ۳۱۷۷۴۹ - ۳۰۱۰۳۷

فهرست مطالب :

صفحه	موضوع :
۶	پیش‌گفتار
۷	تابلوهای کلکسیون ناشی علیاحضرت شهبانوی ایران
۱۰	۲۵۰۰ سال معماری در ایران
۱۶	بنام خدا
۱۹	خیز و اندام گنبدی‌های ایرانی
۳۱	طاق گنبد
۴۱	ساختهای تخت جمشید و شوش
۵۳	سبک‌شناسی
۶۲	بادگیر و خیشخان
۷۰	مفهوم معماری در زمرة هخامنشیان
۸۹	و بیویان
۱۰۱	تریتیات در بناهای تاریخی ایران
۱۰۴	هر در خط
۱۰۹	أخبار
۱۲۵	تلاشی‌های عمرانی بانک رهنی ایران
۱۴۷	بخش انگلیسی مقالات
۱۶۷	بخش فرانسه مقالات
	بخش آگهی‌ها

سخن‌گذاری

با انتشار این شماره فصل جدیدی در پخش خارجی مجله گشوده می‌شود که معماری مارا به دنیای انگلیسی زبان خواهد شناساند. همکاران ما در این پخش سالها بصورت یک تیم دو نفری در گثوارهای مختلف همکاری داشته‌اند:

مهندنس نادر خلیلی (آرشیتکت) پژوهی در دانشگاه‌های ایران، ترکیه و آمریکا تحصیل کرده است و عضویت چند انجمن معماری را در آمریکا دارد و مدیر سازمان همبستگی تهران و لوس‌آنجلس می‌باشد.

خانم مهندس نورا موزر خلیلی (آرشیتکت) پژوهی در دانشگاه‌های آمریکا، آلمان و ترکیه تحصیل کرده و عضویت سازمانهای معماری آمریکا و جنوب کالیفرنیا را دارد و نیز عضو هیأت مدیر سازمان همبستگی تهران و لوس‌آنجلس می‌باشد.

نامبرد گان تاکنون سخنرانی هائی در آمریکا در موضوعات معماری و شهرسازی و روابط معماری با تکنولوژی ایران نموده و مقالاتی را در این زمینه منتشر کرده‌اند.

محله هنر و معماری آرزومند است فعالیت ایشان مورد توجه همکاران و خوانندگان عزیز قرار گیرد و ما بتوانیم پخش زبان انگلیسی را نیز در این مجله مرتبه دنبال کنیم.

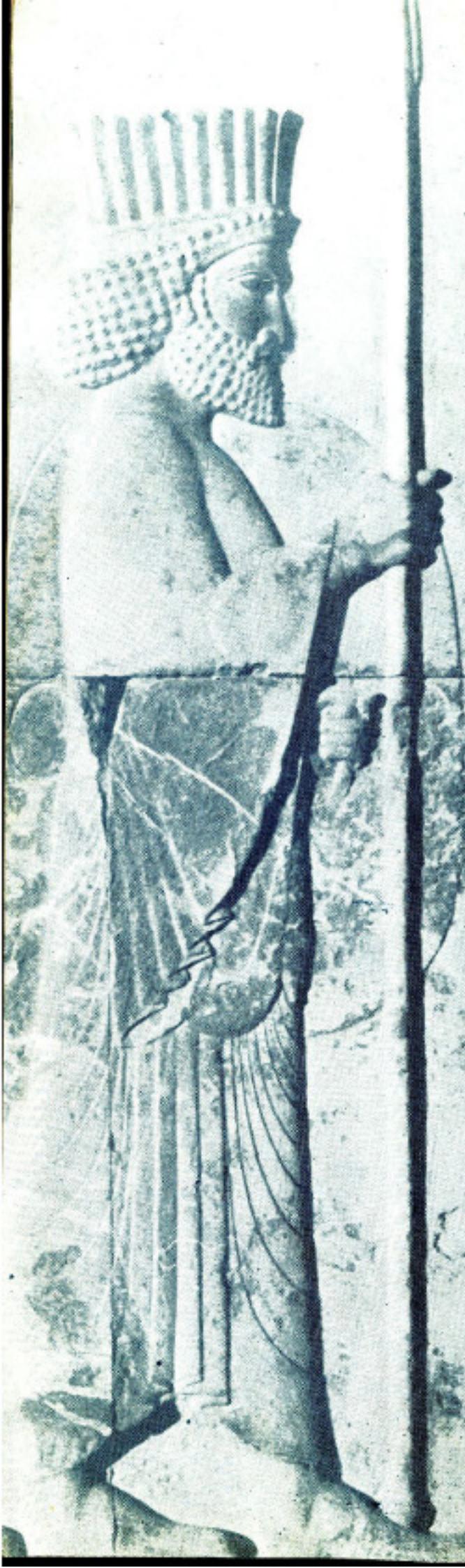
هزار و معماري

پاس

محله هنر و معماری خوش وقت است که با همکاری قلمی گروهی از استادان فن در راه پیشرفت خود گامهای جدیدی را بجلو بر میدارد.

مجموعه مقالات تحقیقی آقای کریم پیرنیا که قبلاً چاپ گردیده و در این شماره نیز از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد، کوششی است در احیاء هنر معماری بویژه در راه بکار بردن و شناساندن اسطلاحات و واژهای معماری ایران کهن.

محله هنر و معماری از کلیه نویسندگان گرامی پخصوص از آقای مهندس پرنیا که با ماهکاری صمیمانه داشته‌اند سپاسگزار است و موفقیت‌بیشتری را برای ایشان آرزو دارد.

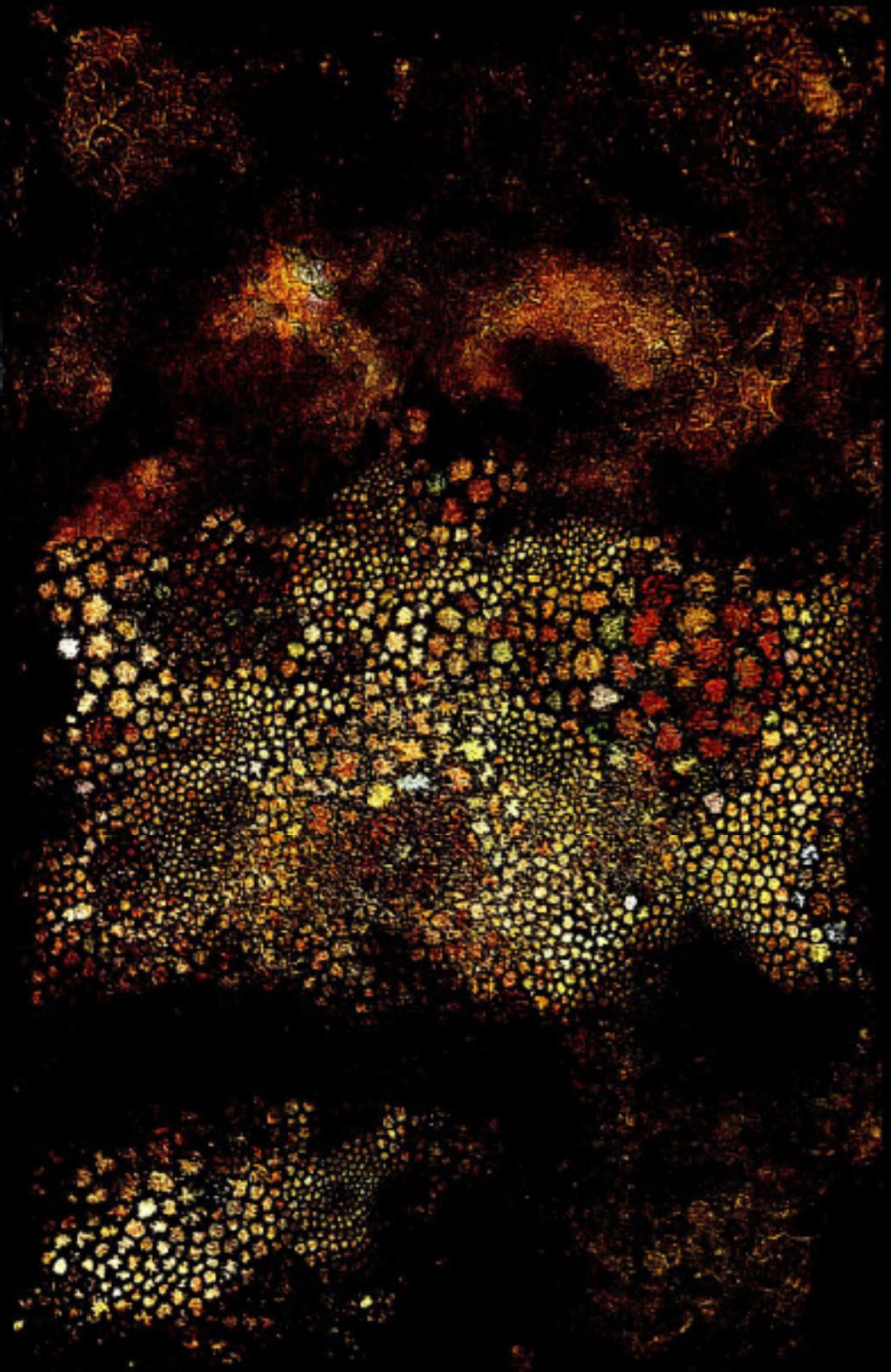


سال کورش کبیر ۱۳۵۰

پیش‌گفتار

محله هنر و مهندسی قلاش پردامنهای را برای پاک‌کردن گوین اتمام‌دهنده از شناسان هنر و معماری و فرهنگ ایران - و احیاء تاریخی فلسفی و علمی خاص استادان ایرانی و ایران و خواستندگان دیگر ممالک جهانی آغاز کرده‌اند.

شروع این اقدام انتشار مهندسی تحقیقی روشنی از نهاد است که در شناسان هنر و شماره حاضر بخطر خواستندگان ریشه است امید آنکه بازی اقدام توانسته باشد بعنایت سال کورش کبیر وطن‌گذاری را که در جهت شناسانی ۱۳۵۰ سال معماری در ایران و عرصه کوچک‌ترین ایام داشته و در ای تسلیمه از آرمانهای وسیع شاهزاده از این هنر و علی‌احضر شهدا و نوروزینه هنر و معماری بسیج هنرمندانهای را آغاز کیم.



Hossein Zenderoudi

Toile huile

حسن زندروی

کبوزیسون



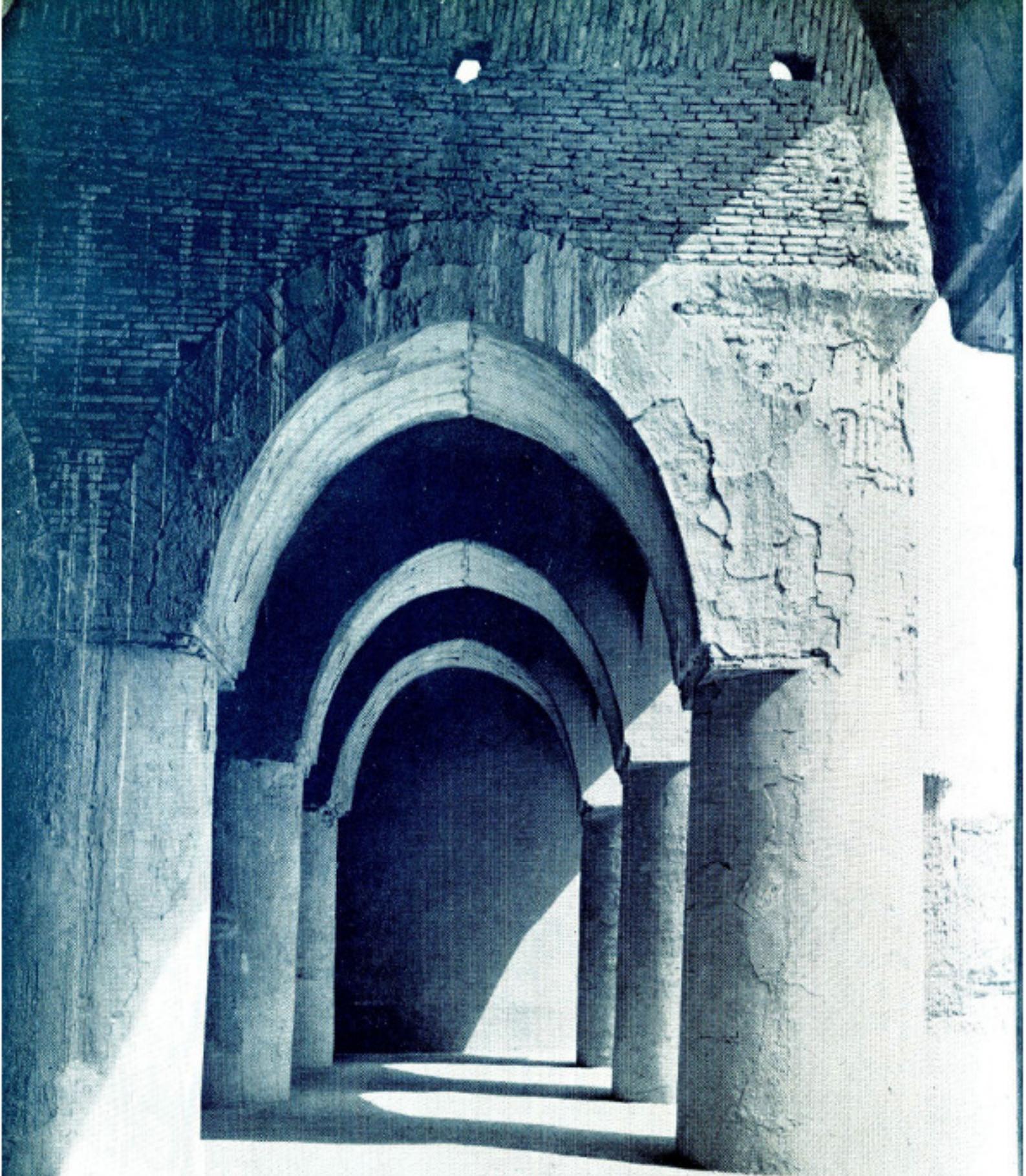
Framar - Pilaram
Composition - Verte - toile huile

فرامار پیلام
کسوز سویں سر



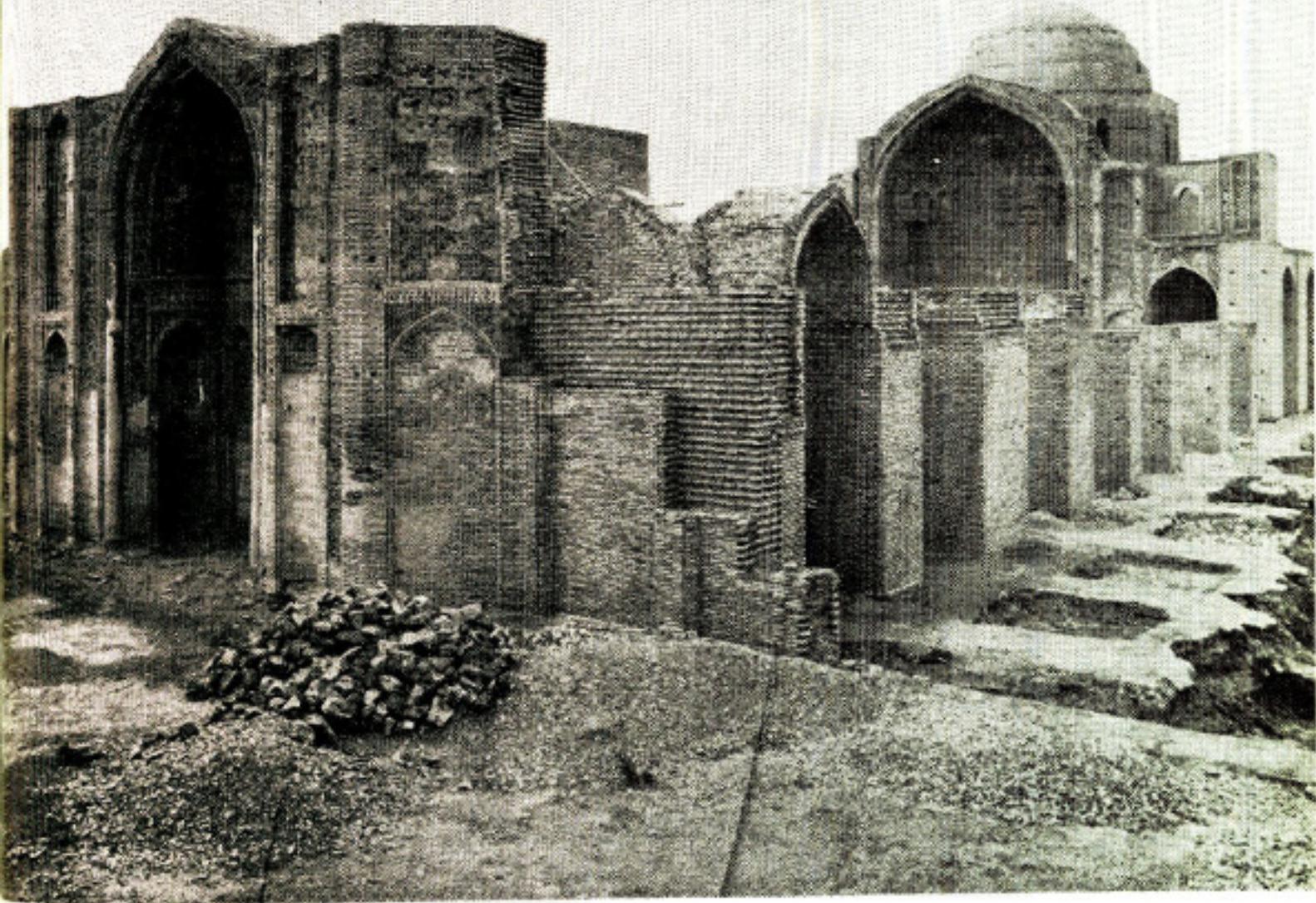
Abolghassem Saidi
Colombes et Branches - Toilehuile

ابوالقاسم سعیدی
کبوتر و شاخه



2500 ANS D'ARCHITECTURE EN IRAN

تاریخ‌خانه دائمیان



VARAMINE
la Mosquée Djamé

مسجد جامع ورامین

هزارمیاری

۱۱۱۰

بنام خدا

ایرانی اندام گرفته بود و فروع ایرانی از آیینه بی زنگار آن میتابت .
شاید واژه های کوشک و کاشانه و طشت و کث و کوزه و مانند آن از نام یومیانی گرفته شده که بیش از رسیدن ایرانیان در این هر ز و بوم ساعان داشتند ولی باستجش کوزمای یا طنتی سفالین از آن یومیان با آنچه را که پس از آن مردم نورسیده ایرانی ساخته و پرداخته اند هنر ایرانی را بخوبی توان شناخت و ویژگیهای آنرا دریافت و شاید همین ، پژوهندگان و هنر شناسان باخته زمین را بگمان انداخته است که ایرانی از خود چیزی ندانسته و دستکرد مردم دیگر را بنام خود خوانده است .
هنر مند ایرانی چون پروانه ای آهته برپرجم گلها و شکوفه ها می نشیند و گرد های زرین درختان گشن را بر میگیرد و بر نونهالان گلستان هنر که چون دوشیز گانی رسیده آماده باروری هستند میفشنادند نهال هنر بارور میشود میوه های شاداب بر میدهد .
گاهی گیلگمش را چنان در هم میبیند که در طشتی زرین چنبر میزند و گاهی گاو زمین را در زیر آسمانه تحریر زانو در میاورد و فرسهای چوپین را چون یوغی بگردن او میاندازد . مردم سرزمینهای دور و نزدیک را با چهره ها و زبانهای گوناگون رده میکند تا تخت شاهنشاهی جهان را فرادوش خود بودارند و گلها و سروهای چمن را چنان میبینند تا از کنگره بلکان کاخ سر بر نیاورند .
با اینهمه چنان با مردم شکسته در میانمیزد که گوئی از تبار ایشان بوده است .
ایرانی چون شهری را میگشاید برای نخستین بار در جهان بمردم آزادی میدهد تا بزبان خود سخن بگویند تا خدای خود را بیرونستد ، شاهنشاه بپروز گز ، بهستان شهر در میاید و بخانه خدا می گوید « هرجا که شوم صاحب آنخانه توئی تو »
بنديان رازها میکند و زندانیان را آزادی میدهد و بسیاهیان خود میپارد تا چیزی بسته بستند ، چنانکه خداوند بتوانست نوید داده است « ... خداوند ذوالقرینین

● بخاستگاه آریان نه سرما بود و نه گرما نه دروغ و نه دروند . اهرمین بدکش دیوان خشم و خشکی را برشوراند تا چشمها را بخواشاند و درختان را به تدبیاد بیفکند .
مردآری که خاندان خود را آشتفتند زن و فرزند را بگرد و چوپین برقشاند و خود بر اسب نشست و در جستجوی خانمان نو ، به خونبرث (ناف زمین) رسید . آن جا ویرا خوش افتاد تا بدانجا که نام خود را بدان نهاد و از آن روز باز خونبرث به ایرانشهر نامور شد .

ایرانی که در زادگاه خود با درخت و دار سرو کار داشت خوب میدانست که تاخوچ یا امروز گوهی بیرون خورد میوه شیرین و پرآب بر نمیدهد از اینtro در راه خود هرچه را از مردم بومی میدید و می پسندید میاموخت و میبدیرفت و چون بیوندی برای بارور کردن درخت زندگی خود بکار میگرفت ایرانی پژوهند و پذیرنده بود و از آغاز میدانست که پذیرفت و یکار گرفتن پذیرده های آزموده و پرداخته مردمی که سالهایش از او زندگی آسوده و سامان یافته داشته اند به از دستکرده ها و آفریده های نایخته و نایمروده ایست که نوخاستگان نویسرد از بگمان خود چون شاهکاری آفریده و برای مردم بار مقان آورده اند .

ایرانی خوش نداشت که آزموده را دوباره بیازماید بی بالک و بی درنگ از میان ابزارها و دست کرده های مردم بیگانه که بر سر راه او بودند آنچه را که برای زندگی و پیشرفت خود سودمند میبایافت بر میگرفت و پس از پرداخت و دستکاری هرچه نظر و آراستهتر چون پذیردهای سرایا ایرانی بکار میبرد .

هنر ایرانی در این بود که پذیرده های هنری مردم دیگر را چنان میپسرد از خود میاراست که در چشم آفرینندگان همان پذیرده ها نیز بیگانه مینمود و لی چنان نظر و ساده و زیبا شده بود که دیگر نمیشد نام نخستین را بر آن نهاد . رنگ ایرانی داشت ، بدلست

شناخت هنر ایران

تاکنون رسم براین بوده است که در فرهنگها و دفترهای تاریخی هنر هرچاگزی از ایران بر میخوردند آنرا در کتاب آثار هنری مردم دیگر مینهادند (مثلاً آثار تخت جمشید را در لوحه هنر آسورستان و دیگر مردم میازو و دجای میدادند با عماری تاریخی دامغان و جامع فائیں را که چیزی جز باز پیراسته یاک بغضنان ایرانی نیست چون میلت راژی و خوارزمی، قلایی مینهادند). در این پاره نمیشود، چون پس از حمله مغول در هیچیک از نوشته‌های ایرانی، چه عربی و چه فارسی و ترکی نمی‌بینیم که از اثر هنری چنانکه هست سخن آمده باشد، مثلاً تاریخ نویسی، بجای آنکه چون ناصر خسرو قیادیانی یا خواجه رشید الدین و زمر، با زرف نگری آثار قدس یادهای الموت را پایه به پایه و گنگره به گنگره وصف کد درباره گبیدی مینویسد. «سبزش طنه بر گنبد کود میزند...» و یا «ایوان کاخ کسری را به باره بندی نمیگیرد». هنردوستان و جهانگردانی هم که باین سرزمین می‌امدادند چنان درین شکتفتها و دیگر گویهای زندگی و گذران خاور زمین می‌افتدند که هرگز نمی‌اندیشیدند تا شکوه این کاخها و آرامش این مسجد‌ها از کجا آمده است ناچار آنها را که پس از کشتار مغول باز ساخته شد، بود معماري مغولي و آنچه را زیش بازمانده بود ساحقوی مینامیدند و جای خنده است اگر بدانیم که شاهکارهای معماري ایران را به جا پردمی بسته‌اند که بیش از ده آفون بایران زیعین در دشتهای خاور و باخته این کشور در زیر چادرهای پالاسین و کلبه‌های شن روزگار می‌گذرانند.

با اینهمه تمیزان فراموش کرد که پیشتر این داشتمدنان بادلستگی بسیار بایران و باتوابی آغازته بهر و دلدادگی هنر مارا ستوده‌اند آنهم در روزگار ایرانی که تویندگان ایرانی بایرانیانی از کتاب این زیباییها می‌گذشتند و به نهاده‌های اجداد نیاکان خود چشم نداشتند و اینک زمان آن رسیده است که از میان نوشته‌های سودمند و ارجمند خودی و بیگانه آنچه را که درست است برگزینیم و با پژوهش و پیکاوی در هر یک از پدیده‌های هنری این سرزمین و جستجوی خاستگاه آن دست کم شناسنامه‌ای دیباچه‌مند پیردازیم.

امید است این دفتر که تنها بتنایی معماری ایران پرداخته است برای آشنایی باز هنر زیبا سودمند افتاد.

خود را می‌فرستند تا پندگانش را از ستم برهاد ...» پیوست که مردم شهر باستان پیروزگری چکویه رفتار می‌کنند آنچه را پس از سالها شهرنشینی پدست آورده‌اند. پیشکش می‌کنند و آنچه را آموخته‌اند بهیمان مهربان خود نیز می‌اموزند در ساختن خانه باویاری میدهند و دستش را باز می‌گذارند تا در میان خواسته‌ها و فرآورده‌ها آنچه را که می‌خواهد برگزیند. در میان مردم نورسیده هنرمندانی نیز بودند که بجای دستبرد ستمگرانه پرده‌ریاک مردم شکته هنر پرداخته و سامان یافته ایشان را می‌اموزختند و با بهره مندی از آن در راه پیشرفت و پیشبرد فرهنگ مردم خود تلاش می‌کردند. اینست که چون از هنر ایران سخن می‌گویند آنچه را که آریا تزادان از خود داشته یا از طبیعت گرفته بودند بر نمی‌شانند باز همه آثار هنری مردم بومی و ایرانیانی که از جای دیگر بین سرزمین روی اوزده بودند سخن می‌گویند چون میدانیم که هر یک از این مردم از پیشینان خود بهره برده‌اند و جز این هم قمیتو است باشد.

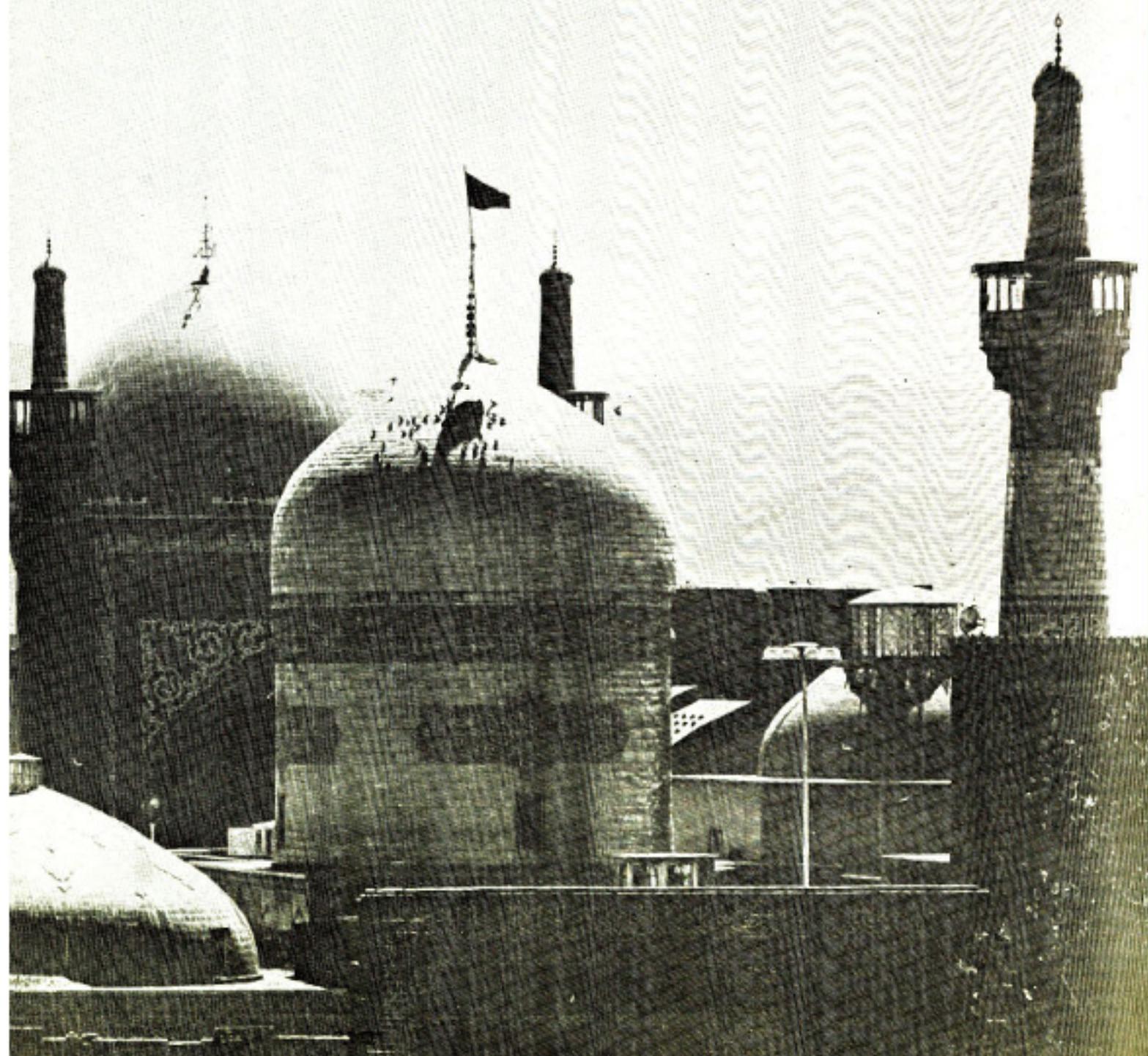
اگر امروز می‌بینیم که در میان خانواده‌های کوچک برخی از سرزمینهای دور افتاده و جدامانند در افریقا و استرالیا آثار ویرهای است که از هنر مردم دیگر بهره‌ای نگرفته بی‌درنگ می‌بینیم که بهمان اندازه هم این آثار خام و ناپرداخته مانده و در برایر ایران، بیرون و بهره مندی از هنر دیگران است. هنرمند راستین آنت که بی‌جه خودنگری و خود گرانی با زرف نگری بازچه در پیرامون خود می‌باید بیاندیشند و نست آفریده های خود را چنان سازد که با همه سادگی و بی‌پیرایگی نظر و دلپیش باشد یا بهتر یگوئیم «چنان بود که باید ...»

اگر بدھانه یکی از نخستین طافهای ایرانی هانند دخمه پارتی کومیش دامغان یا دریجه بند درودزن فارس پنگریم درنگاه نخست در می‌بایم که هنرمند ایرانی بسایر ساختن آنها پدھانه اشکفتها و غارها می‌نگرسته (و اینجا دیگر به هر همسایگان یا مردم بومی چشم نداشته است) ولی چنین اندیشه که اگر سنگ پیرامون دهانه اشکفت سخت و یاک پارچه قبود دقنهانه های زیر و ناهنجار آن تا آنچه میرفت که اندامی نظر و چشم پسند بخود می‌گرفت و در آفریدش دستکرد خود اندام طاق را بدانگونه پرداخته است که باید.

این همان راست اندیشه و ژرف نگری هنری است که در معماری ایران از آن سخن خواهیم گفت.

چهار و انداه گندهای ایرانی

مشهد گنبد حرم حضرت رضا (ع) و مسجد کوہرشاد گنبد ناری با گلزاری بُلند



فاسله پاکارتا مر کر گنبد را روی محصور عمودی آن منتقل میکردند و نفاطیکه بر بالا و پائین بست میامد کانون یعنی قرار میدادند و در خیز یک گره در گر تصف این فاسله را میگرفتند.

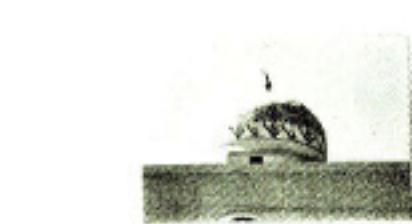
در آنجاکه سخن از دورها و توزیره های ایرانی میرفت^(۲) گفته شد که زیر سازی گنبد در آغاز سده هشتم به سادگی گزایید و نمونه نهائی از آن که خوشبختانه در پیاندازه یعنی منحنی آنرا بدرون متباشد گنبد را خیز میگویند بازرواج یافت و جای خود را زیر گنبد ها با چهره‌ای زیبا تر و آرامته تر پاک کرد اساس و بنیاد اینگونه زیربندی که بهزدی بنده با کاربنده یزدی (در برایر رسمی شکنجی) معروف شده براین پایه است که زمینه را بهشت یادوازده یا شافزده (و گاهی ده و چهارده) بخش میکنند و از هر گوشه دوری توزیره میان ترکهای اعیان چینی را میتوان نخست در آشکده نیازی (هر چند متناسبانه باز سازی شده) و سپس در بسیاری از گنبد های مساجد کهن پیرامون اصفهان دید.

حسن کاربنده یزدی در آنت کمربریع پودن زمینه آن اضطراری نیست و میتوان آنرا روی زمینه های مستطیل و شش گوش و هشت گوش و هیأت های دیگر نیز استوار کردن^(۳) چیزی که هست یزدی بندی خود بنهایی نمیتواند پوشش را تأمین کند و چون خواجه‌ای مطابق اصلی آویزان است و به نسبت بر جستگی دزها که روی طاق ایجاد برونی یا فرش آجری بوده است، روی آن زد و بهمین مناسبت گنبد های

پلندی در میان گنبد خانه استوار میکردند که در دو نقطه آن حلقاتی کار شده بود و دو سر ریسان یار و ده تاییده با زنجیر نازکی را نگه میداشت. نام دیرک و زنجیر هنجر بود که چون شاخصی برای آزمایش دور و خیز گنبد بکار میرفت گاهی هم استادان کار ورزیده‌ای بودند که پهاری جشم تیزبین خود با آنکه در پشت گنبد کار میکرد دستور میدادند تا مثلاً کمی دست بالا گیرد یا سر گنبد را پیاندازد یعنی منحنی آنرا بدرون متباشد گنبد.

دیگری ساختمان گنبد بر روی توزیره ها تا ترکهای بی و گچ بود که نخست روی زمین بدلخواه میریختند و در هشت یا شش گوشه گنبد استوار میکردند و سپس از استوار کردن توزیره ها با دورچینی و بالا (ماتند هو و شاه توزیره) میان ترکهای اعیان چینی را میگردند.^(۱) نمونه اینگونه گنبد چینی را میتوان نخست در آشکده نیازی (هر چند متناسبانه باز سازی شده) و سپس در بسیاری از گنبد های مساجد کهن پیرامون اصفهان دید. گنبد هشت ترک آزادی که بر روی گنبد های درونی برجهای در هنگام خرقان قزوین زده اند جای هیچ کیان نیکذاره که این طرز پوشش توافقی و استواری آزا داشته است که حتی پوشش روئین بخوبی بایداری کند.

گنبد ایرانی در واقع همیشه دوپوسته بوده منتهی در جای پیوسته و گاهی گستاخ گاه توزیر و گاه میان تهی ساخته شده است گاهی هم پوشش روئین منحصر باندود و آرایش برونی یا فرش آجری بوده است. برای بست آوردن خیز دو گرمدر گر



● خیز و اندام گنبدخانه ایرانی

ویراسته کریم پیرنیا

نسبت افزار (ارتفاع) دهانه طاق و گنبد را خیز میگویند.

بیش از اسلام پشکوه و فرازمندی گنبد پیشتر جشم داشتند خیز گنبد را دو گرم در گر میگرفتند چنانکه اگر دهانه گنبد ۱۶ گز بود افزار آن از پا کار تا تیزه ۱۰ گز میشد و سپس از آن که بمردم وارترشدند ازدامهای عماری و بوزیره گنبد می‌اندیشیدند خیز کمتری برایر یاک گرم در گر گریده شد و چون خیز کمتر از آن استواری و پایداری گنبد را دشوار میکرده تا پیدید آمدن کاربنده یزدی (سده هشتم) که آنهم در حقیقت احیاء طریقه‌ای کهن بود گنبد های بهمین طرز ساخته میشد ولی در گنبد های پردهانه مانند گنبد آرامگاه خدابند و گاهی هم در دهانه های کوچکتر از آن (ماقد گنبد میدان نائین و گنبد های سده های چهارم و پنجم) ناجار بودند که خیز دو گرم در گرایر گریند.

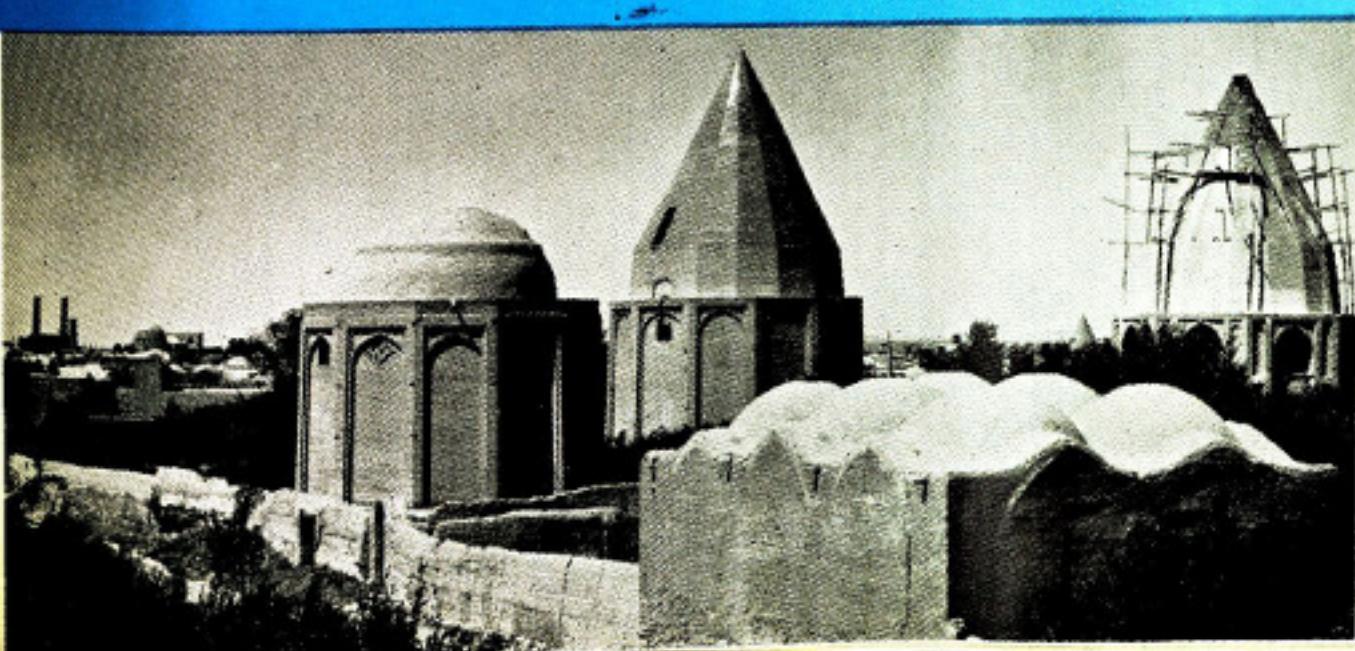
ساختن گنبد بد و گوه انجام میگرفت یکی گنبد دورچین که نخست طرح و تهرنگ آزا روی زمین می‌ریختند و باره های منحنی گنبد را مانند کالبد بر روی چنبره گنبد استوار میکردند و دیرک یا چوب

۳ — کاربنده طاق در سبک رازی نیز بعضی بسیار منطقی در مسجد جامع اصفهان نیز مشاهده میشود و تعبیه تازه‌ای نیست و مهمترین نمونه طاق چهار بخش (کلماتساله در قاریخاشه از بین رفته) در مسجد سنان موجود میباشد.

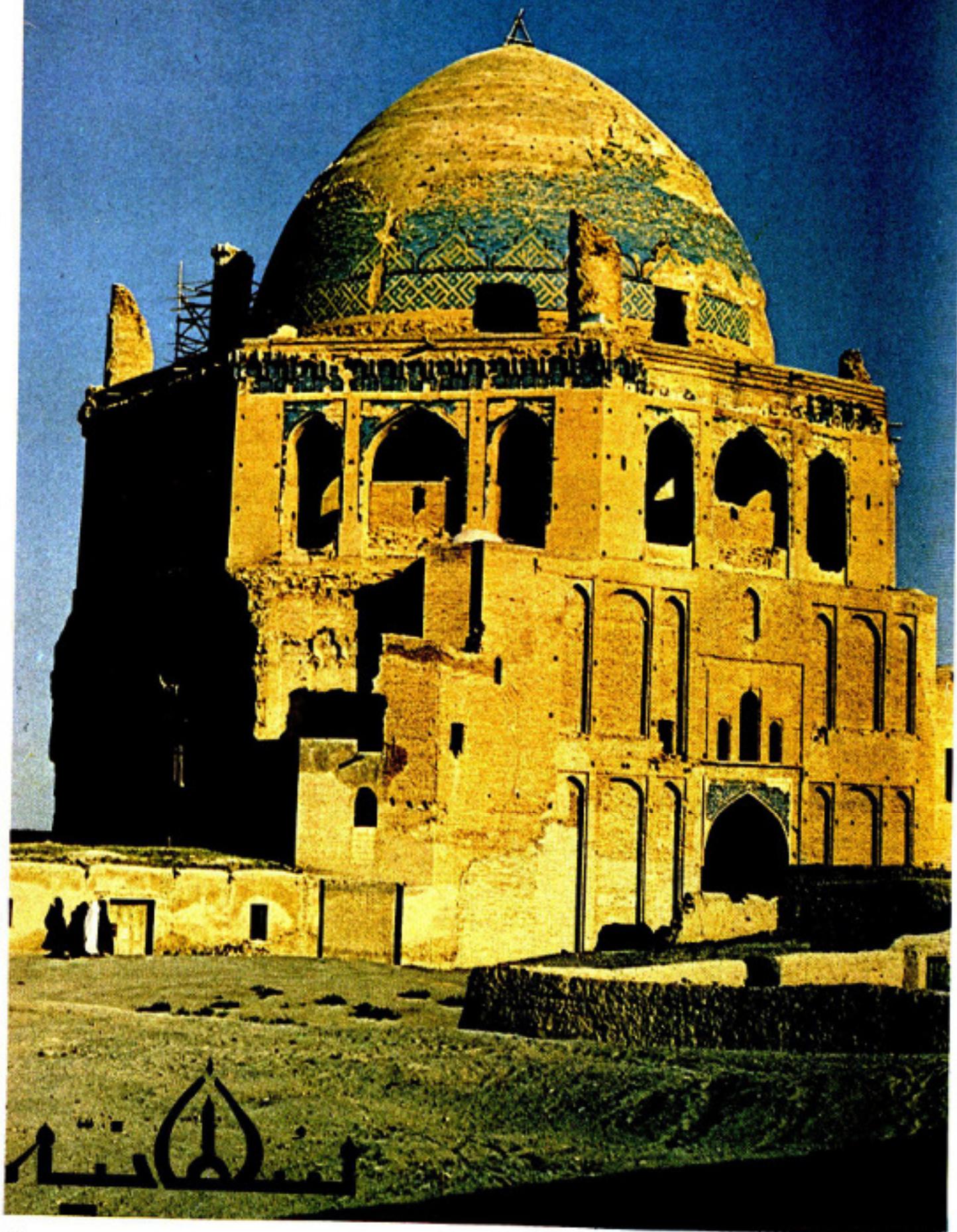
بوده است که زیر توزیره ها و روی آن در آغاز پوشیده بوده و درحال حاضر بدون روپوش و منحصر بهمان توزیره نازک است.

۴ — بمقابله (دور — قوس — توزیره) که در شماره ۸ مجله هنر و عماری بجای رسیده است مراجمه شود.

۱ — اندره گدا، در آثار ایران و هنر ایران کوشیده است تا وجود این توزیره را فقط شف گنبد نشان دهد و خواسته است تا استخوان بندی ترکی گنبد را خاص هنر گویندیک معرفی کند در صورتیکه در همان گنبد نیاز مورد مثال خود نیز عامل



۱۰۰
۹۹۹
۹۹۸
۹۹۷
۹۹۶
۹۹۵
۹۹۴
۹۹۳
۹۹۲
۹۹۱
۹۹۰

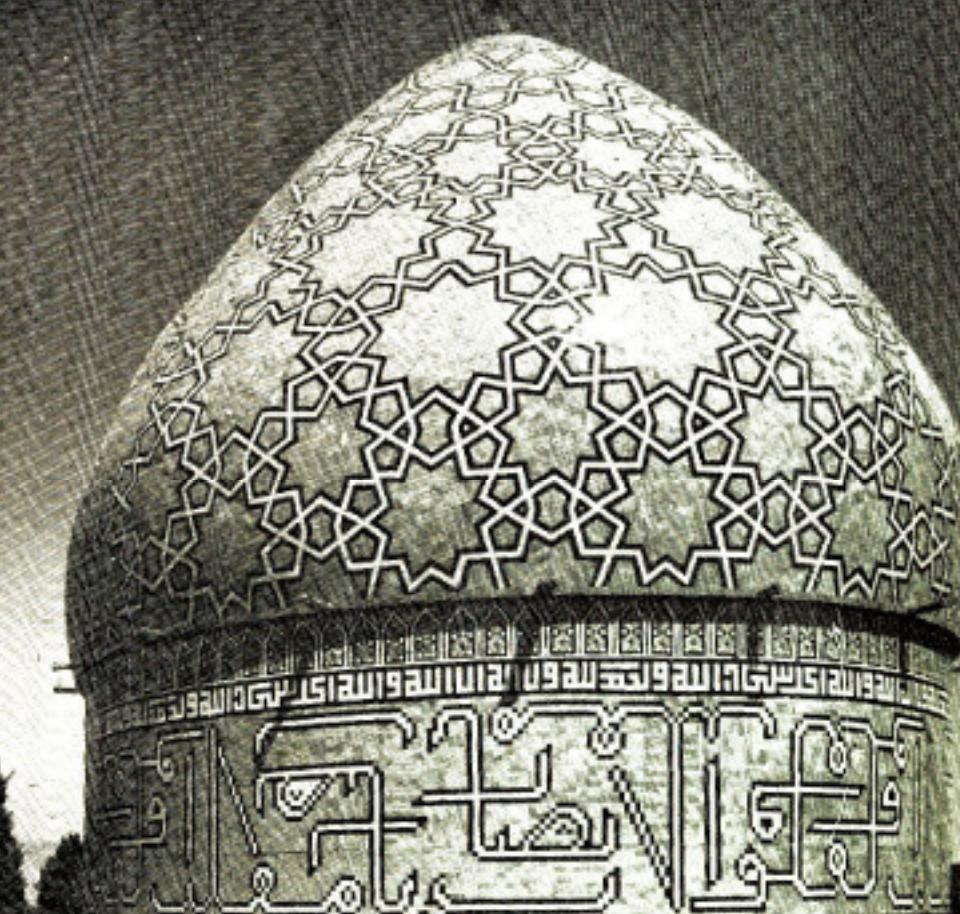


سلطانیه از توابع قزوین، آرامگاه سلطان محمد خدابنده.

برونی سده هشتم دور از گنبد یا میان بند ذیرین و پیشتر گریو یا گردنه ساخته شده .
گریو گنبد پیشتر دارای پرمهاتی است که در بعضی نقاط آن خوشحال میگویند .
گاهی این پرمهای خود استخوانندی گنبد را تکمیل میدهند (مانند گنبد های رونین آرامگاههای خر قان) و گاهی هم تنها نشانی و نگهدارنده گنبد رونین را دارند .
دور گنبد های روی گریو پیشتر هفت و پنج است و چالشی بکار رفته تا با تعیین آوگون (تعیین جهت منحنی و تمایل آن بدورون) راش آهارا به پرمهای گنبد های زیرین منتقل گندد بجز از گنبد

ماهان کرمان ، هنر شاه نعمت الله ولی (گنبدناری آوگوندار) .

گنبد شاه ابوالقاسم در گنبدی ثابور (که باحتمال قوی آرامگاه سردار بزرگ ایران یعنیوب لیست است) مانند روز نخت استوار بر جای مانده است . گاهی بزرد باختشاشی بجای اینکه در درون گریو فرار گیرد مانند گنبد قابوس یا راد کان طوس یا جامع قدیم اردبیل بیرون گریو ساخته شده .
و حتی گاهی خیارمهای شیارهای روی گریو روی گنبد هم تکرار شده وندای زیائی باان داده است این نوع گنبد سازی ساختهای کهن دارد چنانکه در کالیسا های ارمنی (که رابط معماری پارتی و زیائی بسیار بایدار است و می بینیم که تا امروز پیش ازه است) می بینیم که تا امروز پیش ازه است)



لرستان

گنبد خاگی



گنبد خاگی

هنجین گنبد برج اخچان که خوشختانه هنوز قطعاتی از آن بر جای مانده و زادگان طوس که متنافنه خیاره های آن ریخته ولی جای آن پیداست و این گونه گنبد سازی سرمشق معماری زمان گور کانیان شده و در بسیاری از بناهای آن روزگار معمول گردیده بطوریکه بعضی آفرای پدیدهای تازه و منحصر به کستان و خوارزم می بندارند و گمان می کنند از خرگاهها و چادرهای تتاری نقلید شده است.

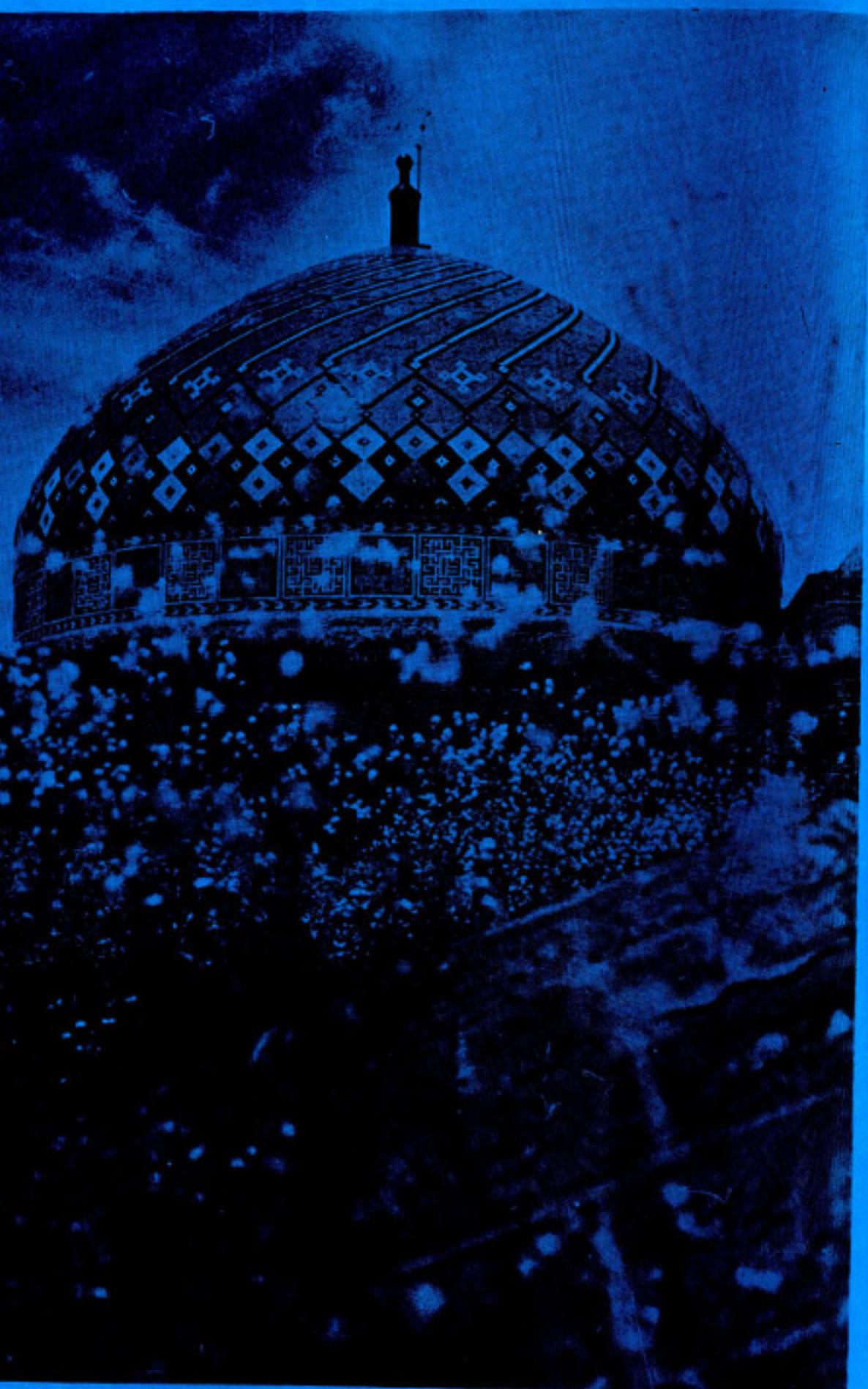
امامزاده عحروق (گنبد ناری با گریوو آو گون) .





Ardabil : coupole Cheikh Safiaddin Ardabili.
L'originalité est toujours visible malgré les réparations.

اردبیل ، گیشیخ صنی الدین اردبیلی ، با اینکه بازسازی تغییر گردیده هنوز اصالت خود را از دست نداده است.



قرون، "گنبد مسجد جامع، ترئین روی گنبد مربوط به دوره قاجاریه است".

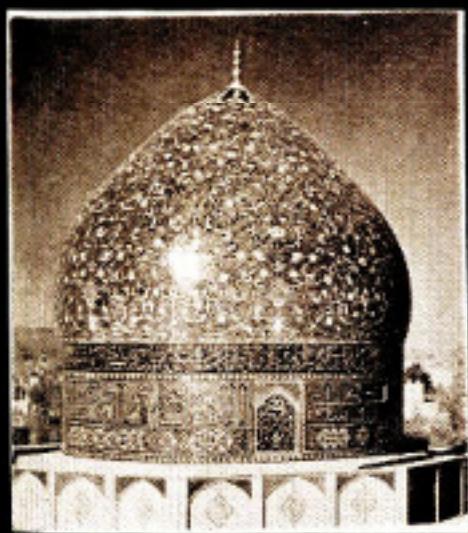
مسجد شاه گنبد ناری با آوگون و گریو



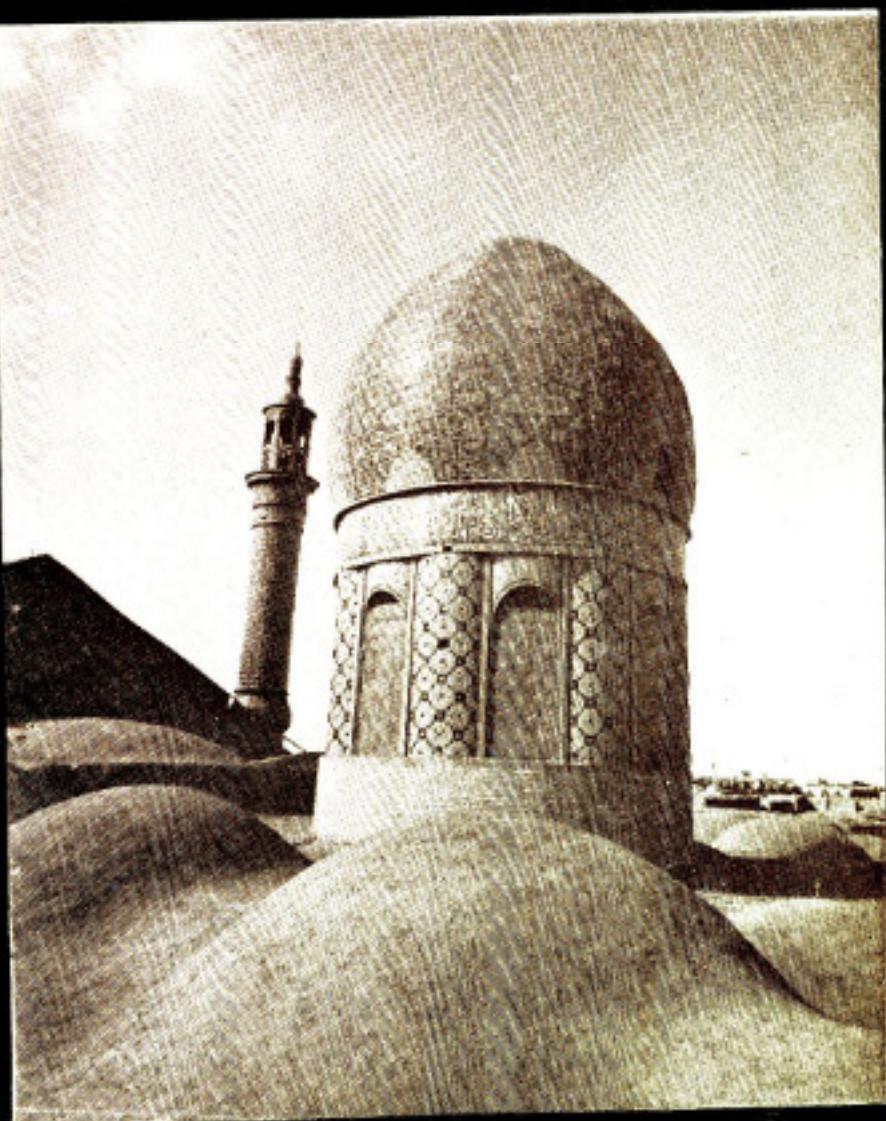
گنبد ناری

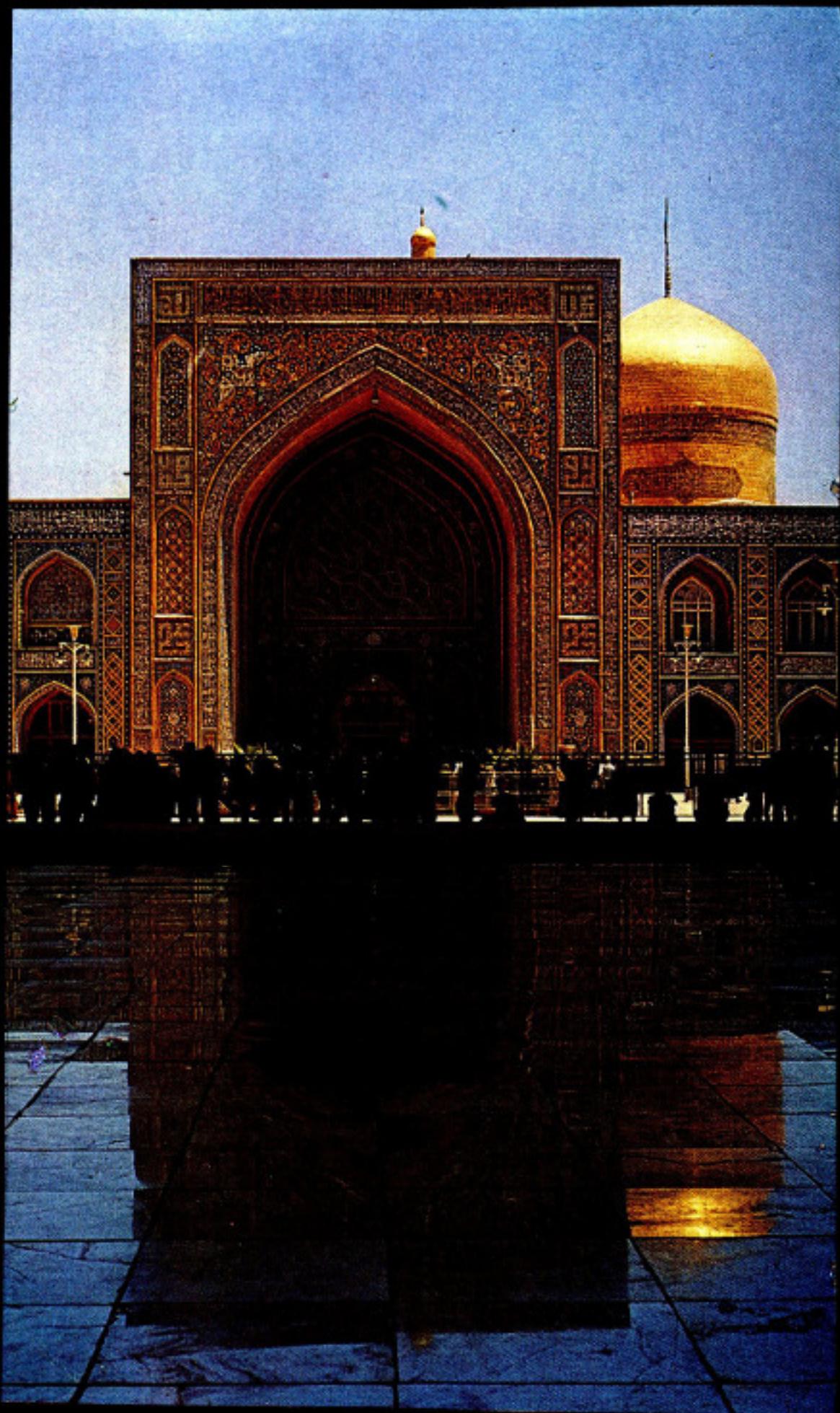


گنبد ناری با گریو بلند

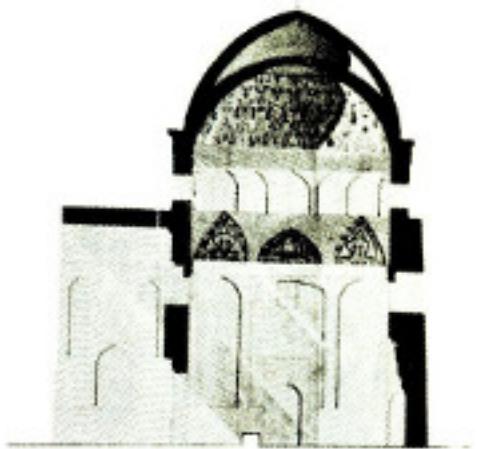


شاہزاده گنبد با آوگون و گریو

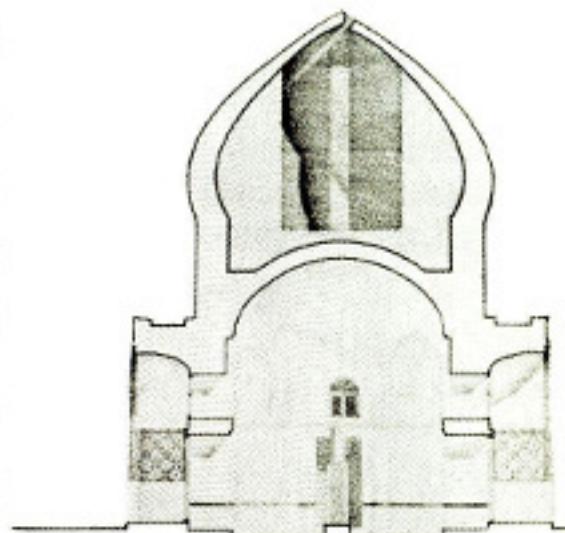




مشهد: حرم حضرت رضا (ع)



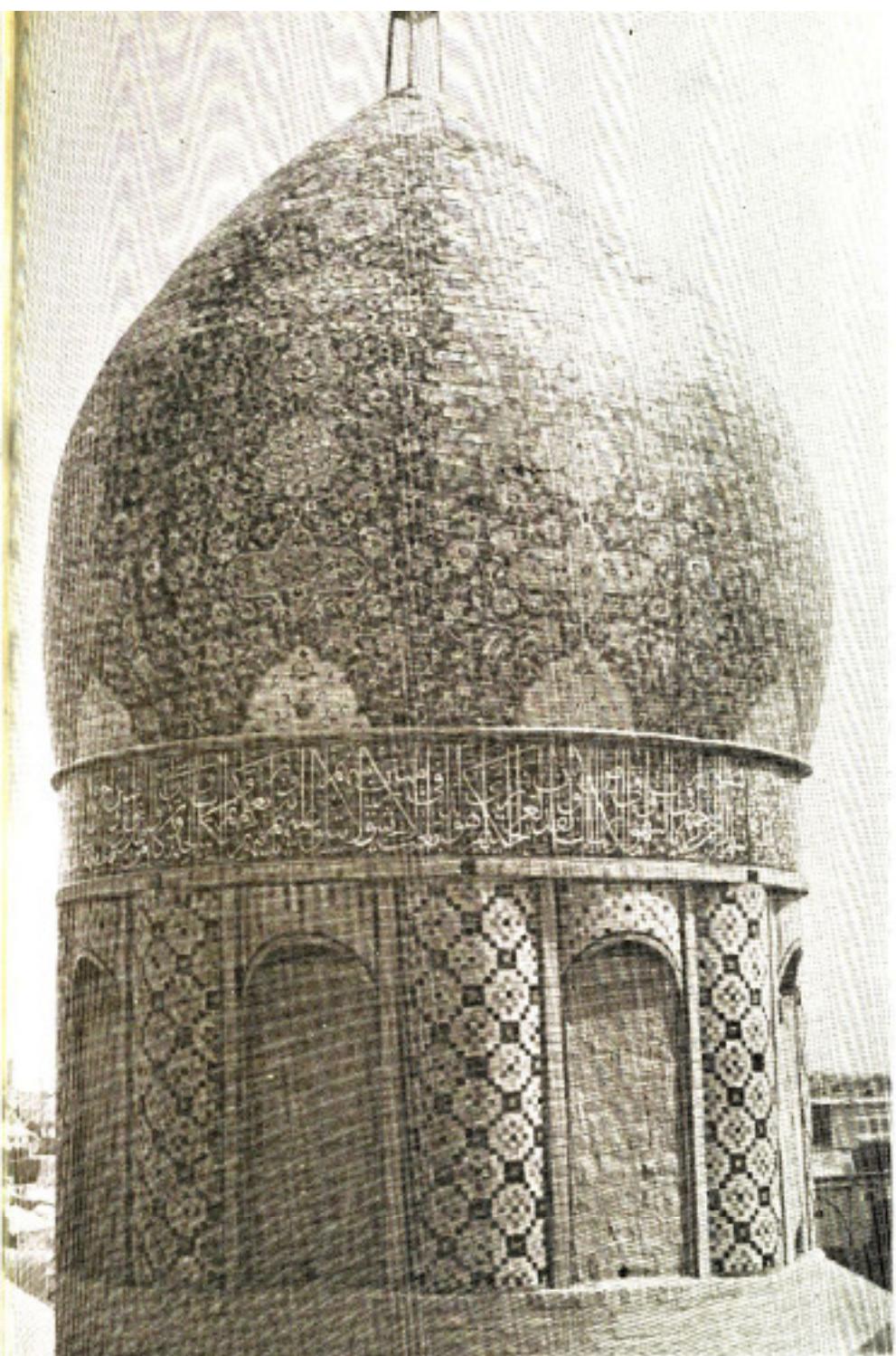
امامزاده رکن الدین - گنبد دوبوش گسته



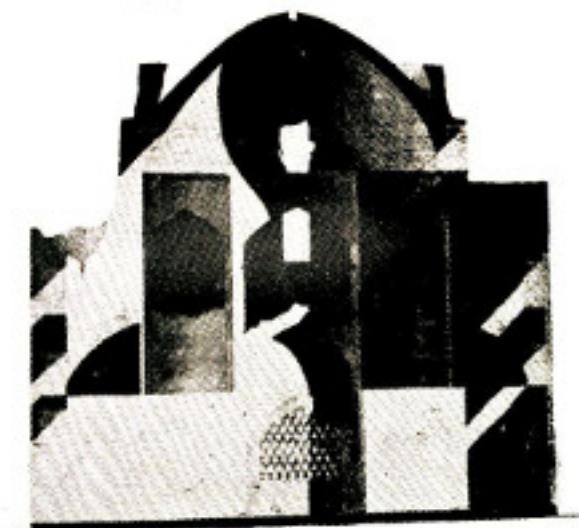
گنبد دوبوش گسته میان تپه

Yazd. Mausolée Aboghassem
Nassr Abadi (coupe en terre).

یزد ، مقبره ابوالقاسم نصر آبادی (گنبد خاکی)



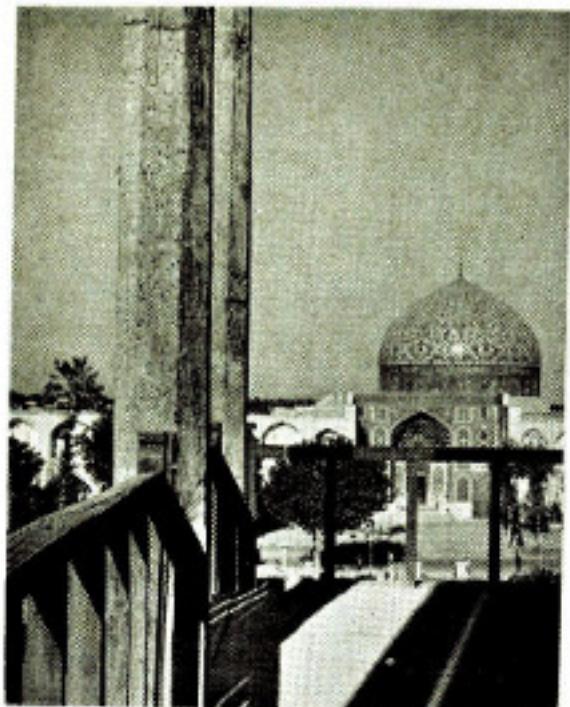
گنبد ناری با آوگون و گریو بلند .



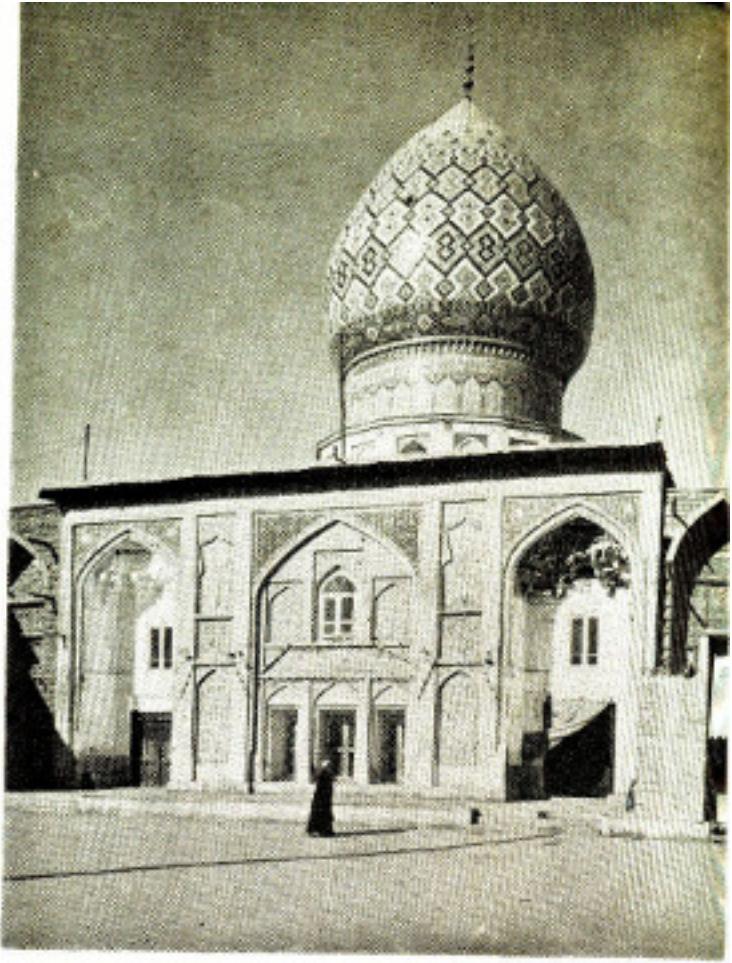
گنبد ۴۵ متر .



اصفهان ، مسجد شیخ لطف الله



Soltanieh. Mausolée de Tchelepi Oghlou, fils de Moullana Djelalddine : les revêtements superficiels se sont effondrés.



شیراز ، علی این حمزه گنبدهای شیراز در بازسازی قرن اخیر هیات اصلی خود را از دست داده است .

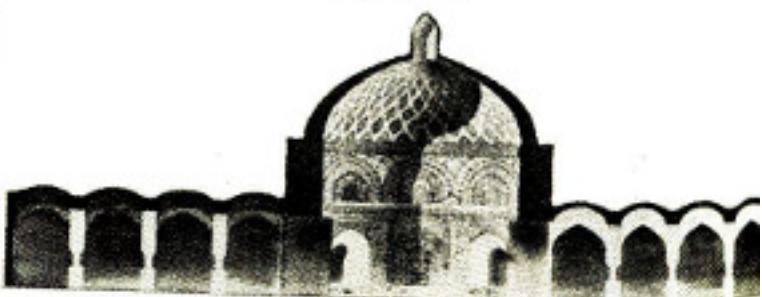
Chiraz. Ali Ebne Hamzeh. Les coupoles ont perdu leur caractère original à la suite des rénovations du siècle dernier.



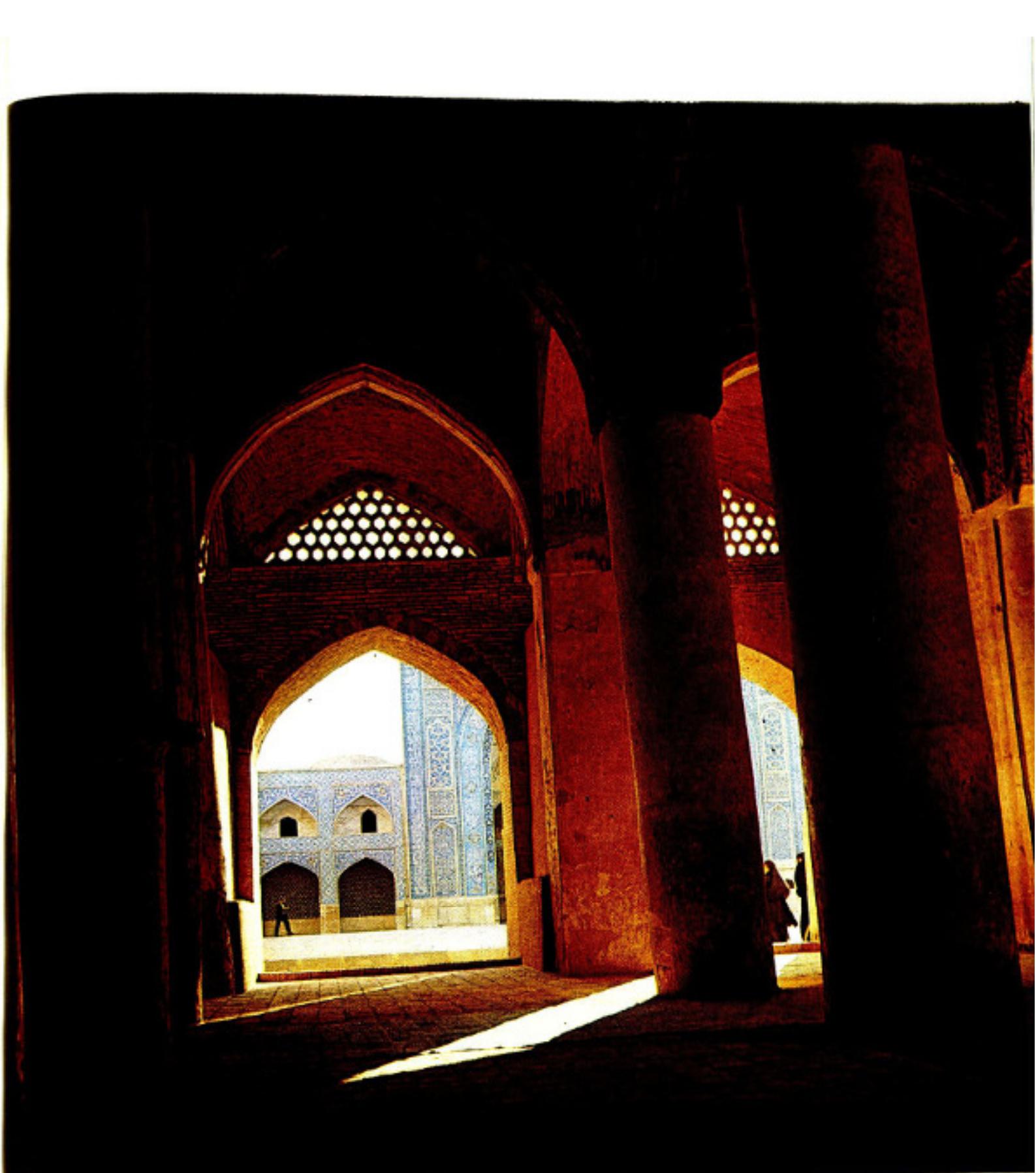
متبره چابی اقلو فرزند عولانا جلال الدین در سلطانیه، بوش روئین گنبد ریخته است .



طالار اشرف



مسجد شاه - گنبد دو بیوش گست



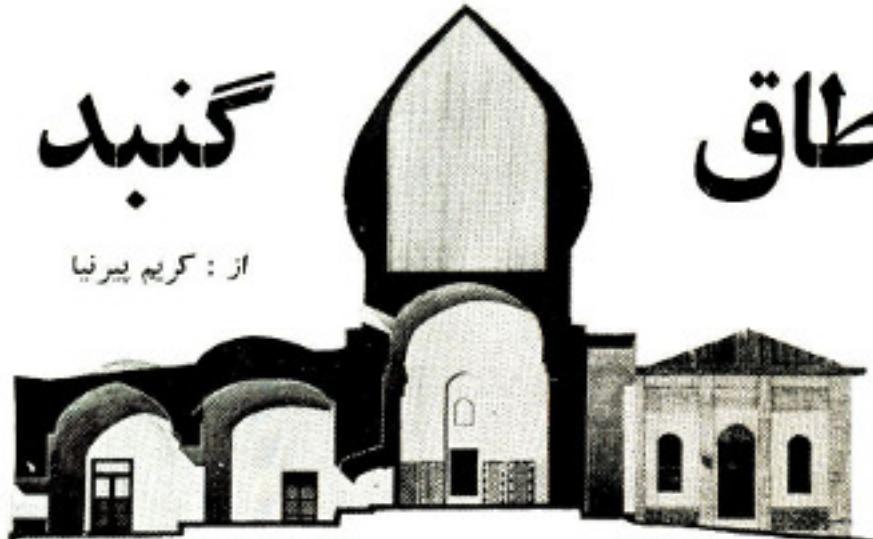
ARC DE VOUTE : KARIM PIRNIA

از : کریم پیرنیا

طاق

گنبد

از : کریم پیرفیا



از شهرستانها نیم طاق های پست بند را نیز خوبینامند) .
۵ - فیلپوش

طاقی که از چهار گوش شروع شود و کم کم خیز بردارد ، فیلپوش نامیده میشود . ترنه یا سکنج زیر گنبد ها را نیز بهمن منابت فیلپوش مینامند . ولی گاهی ترنه بعدورت پنگانه یا پنگین ساخته میشود که دیگر نمیتوان آنرا فیلپوش نامید (ترنه گنبد های پیش از اسلام ایران همه فیلپوش است) . فیلپوش لازم نیست حتیماً روی زمینه چهار گوش زدمشود در ساختمانهای پیرامون کویر (که هنوز خصوصیات معماری پیش از اسلام را بخوبی حفظ کرده‌اند) پوشش اغلب اتفاقها و بویژه اطاقهای میان دشت و کنار جالیز ها فیلپوش است .

(در جنوب ایران ساختمانهای را ها را کانه (سوراخ - حفره) مینامند . یعنی دارای طاق برآمده) .

۶ - کانه

برای هامون کردن بامها و بدید آوردن مهتابی و پیش بام لازم است که شانه و فرورفتگیهای پشت طاقی بر شود برای اینکار ماقبهای کوچکی پشت گهواره ها (و اغلب ععود برآنها) ساخته میشود . اینگونه طاق هارا کانه (سوراخ - حفره) مینامند .

۷ - پتکانه

طاقها و قوسهای کوچکی که بمنظور تنگ کردن دهانه ها یا پوشاندن روی پیلایه های (پیلاستر) نمایند ، یا کنج های چهار گانه طاقدهیها و گنبد خانه ها زده میشود پتکانه نامند (در مقابل کانه) .

۸ - پنگن

بر جستگی روی دیوار که بصورت دندانه کم کم پیش رود پنگن گفته میشود ماقنده خوش انگور ، این اصطلاح در مقابل نگین و آجین یعنی شاندان خیزی در زمینه ای است .

۹ - چهار بخش

امتداد دو طاق که در میان چهار پایه همیگر را قطع کنند چهار بخش گفته میشود .

و زرگاه طاق های ایرانی

هرجا سخن از طاق ایرانی میرود کسانی گمان میبرند که گروهی ستایشگر میخواهند همه زیبائیها و زیزه کاریهای این شاهکار را بزور بازیان بچسبانند . شاید پیش فتهای مردم دیگر را نادیده انگارند

۱ - بهمن منابت بصورت اینکه شاپور ذوالکتاب شاهه سر کشان نازی را سوراخ میگردد ویرا هویه سنیا لقب داده‌اند در سورنیکه ذوالکتاب معنای چهار شانه است .

و تبدیل به مسجد شده نشان میدهدند که این نوع پوشش همیشه در نقاط مختلف ایران معمول بوده است .

در این طرز پوشش گاهی میان آخرین تویزه و اسیر و دیگر آن طاق زده میشود که یاک پاکار آن بس تویزه و دیگری روی اسیر و در سطح پائین تر از پاکار تخفیف است این نوع پوشش را کانه پوش مینامند .

طاق کجاوه مانند پیله‌دان گرم ایرشم است و شاید بهمین منابت نام آفران کجاوه نهاده‌اند (در سفرنامه ناصرخسرو کراوه آورده شده) .

برای زدن چتین طاقی نخست گوشهای میان دیوار یا دهانه برگاه و تویزه را فیلپوش میکنند و سپس از چهار گوش آفران پیش می‌آورند تا بصورت سبد یا زنبیلی ، دهانه میان دو تویزه را پر کنند . در طاق کجاوه افزار طاق همیشه تابع اندام تویزه و دور برگاه میان تویزه هاست .

۳ - دز

در پیش طاقها و ایوانهای معمولاً تویزه‌ای بزرگ قرار میگیرد که آنرا شاه تویزه مانند برای زدن شاه تویزه نخست تویزه‌ای بنام دز (یعنی پنهانی) در لای کار میگذارند و

زیر آنرا چیله می‌بندند (یعنی آجر یا خشت را بصورت افقی و تیغه‌ای زیر آن را می‌بندند) . و روی دز را بالانه میگفتند تا سطبرای لازم را بست آورده و بتواند پاکار کجاوه یا فیلپوش و گهواره ایوان باشد . (سطبرای طاق و تویزه را طبره میگویند) .

۴ - هو - خو

(هویه به پهلوی و دری معنای گفت و شاهه (۱) دارد) و مجموع شاه تویزه و جزو های آنرا بخار شاهی که شاهه ها و بازو ها دارد هو یا خونامند (خستا در بعضی

● طاق های ایرانی از لحاظ شکل و طرز اجر بین قرارند :

۱ - آهنگ طاق لوله‌ای یا اکوره پوش برای زدن طاق لوله‌ای یا آهنگ منحنی طاق را روی دیوار رویرو رسم می‌کند و گوشه ها را نخت فیلپوش می‌سازند (یعنی از گوشه مانند تار کارتنه) و سپس طاق را بصورت لمبه - چنانکه بر اسیر نیکه داشته باشد - میزند تا به اسیر دیگر بر سر و باقیمانده آفران عمود بر طلق اصلی می‌پوشانند .

نموده اینگونه طاق در کلیه ایوانهای قبل از اسلام ایران و پس از آنهم در جامع کبیر بزد و مسجد مظفری کرمان و نظایر آن دیده میشود .

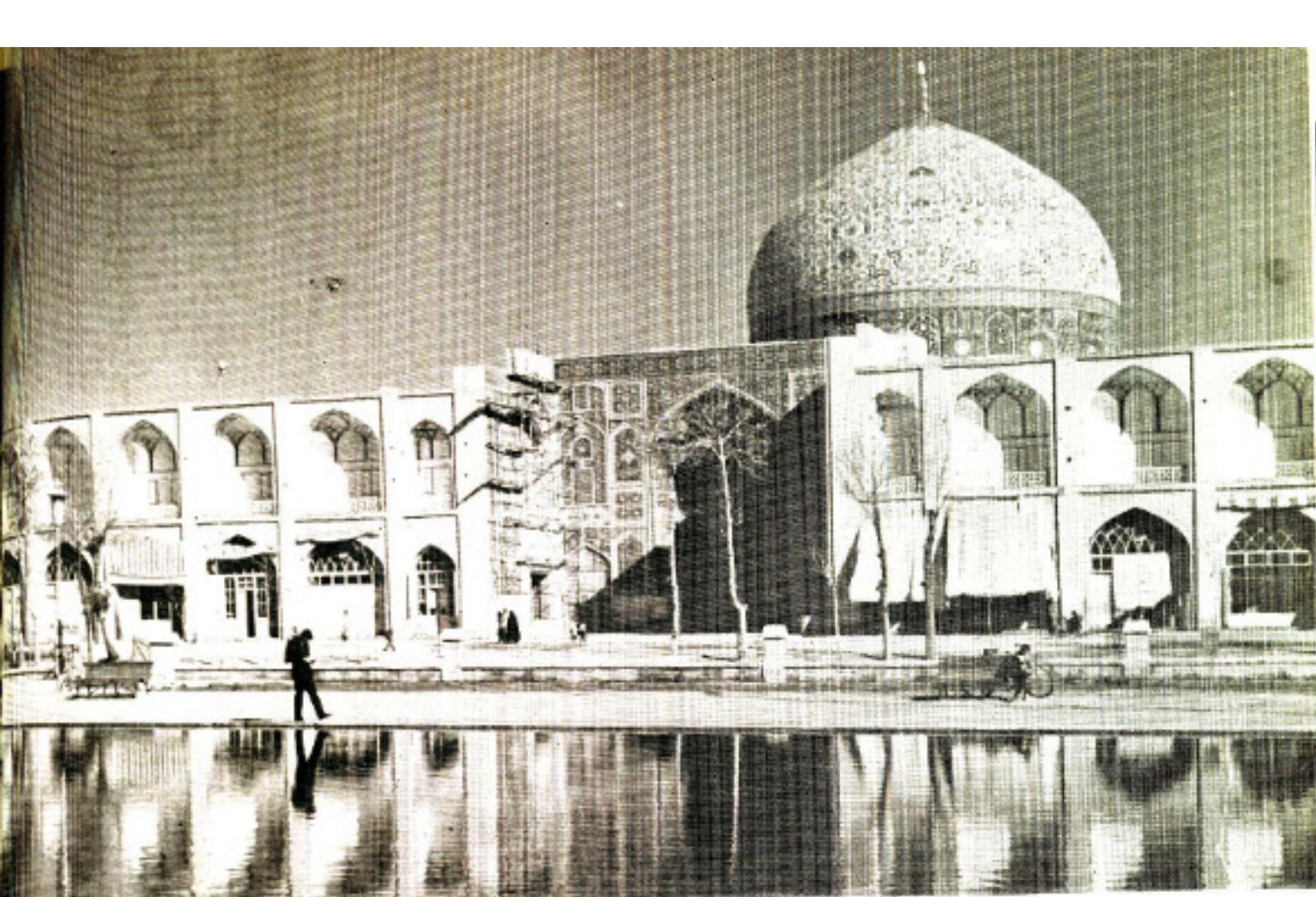
۲ - طاق و تویزه :

تویزه دندۀ های طاق است که در فواصل معین بصورت نگهدارنده اصلی پوش برای میشود . تویزه گاهی با گچ و نی روی زمین ریخته میشود و بصورت دو لنگه روی دیوار استوار میگردد . سپس پارگاهی آجر برای خشت پوشیده میشود و تکه گاهی برای طاقهای فرعی ایجاد میکند گاهی هم بصورت قالب در زیر طاق گذاشته میشود .

گاهی تویزه های گچ و نی در لای کار میماند ولی اگر بصورت قالب باشد پس از حصول اطمینان از استواری طاق ، آنرا بر میدارند .

فاصله تویزه ها با طاق های گوناگون مانند لوله‌ای ، کجاوه‌ای و رسی و کاریندی بر میشود کهنه ترین نمونه طاق و تویزه در ایوان کرخه دیده شده (تاکتون) کسانی هم گمان می‌دانند که گویا فاصله تویزه ها بر این ساختمان پوش چوبی داشته است .

پس از اسلام نمونه اینگونه پوش در ایران و پیرون از ایران گنوی زیاد دیده شده است . که شاید کهنه‌ترین آنها کاخ اخیض (مربوط به قره‌مطیان خوزی) باشد ولی ایوانهای مساجد فردوس و گل‌آباد نیزی که اندکی پس از اسلام باز سازی



اصفهان - مسجد شیخ لطف‌الله

طاق گُند

تهی ساخته شده و با دندنه های میان پندی و خیارهای ، استواری و پایداری آن تامین شده است .

شاید دلیل این نظر کاری و نازکی این باشد که معمار ایرانی از آغاز دریافته است (بر اشتی میتوان گفت از آغاز) که اندام نیم دائره یا پاره ای از آن برای طاق مناب نیست و از همان روزهای نخست با بیضی و ویژگیهای آن آشنا شده است .

دلیل این مدعای علاوه بر ترکیب و ساخت واژه های طاق و قویزه (۳) که بیش از این یاد شد ، اصطلاحات و معیار های دیگری است که هنوز هم معماران ایرانی در تقاضیکه ساختمنهای طاقی منسوب نشده بکار میبرند در اصطلاح بنائی آغاز طاق پاکار و میانه آن شانه و قله آن تیزه است . میان پاکار و شانه آنجاکه طاق رو به پیرون ترک بر میدارد شکر گاه یا شکنگاه (زاویه ۲۲ درجه) و میان شانه

را از لحاظ نازکی (تعییه ای که بتواند علیره یا ضخامت طاق را در پاکار و شانه بحداقل مرساند ، ندارد .)

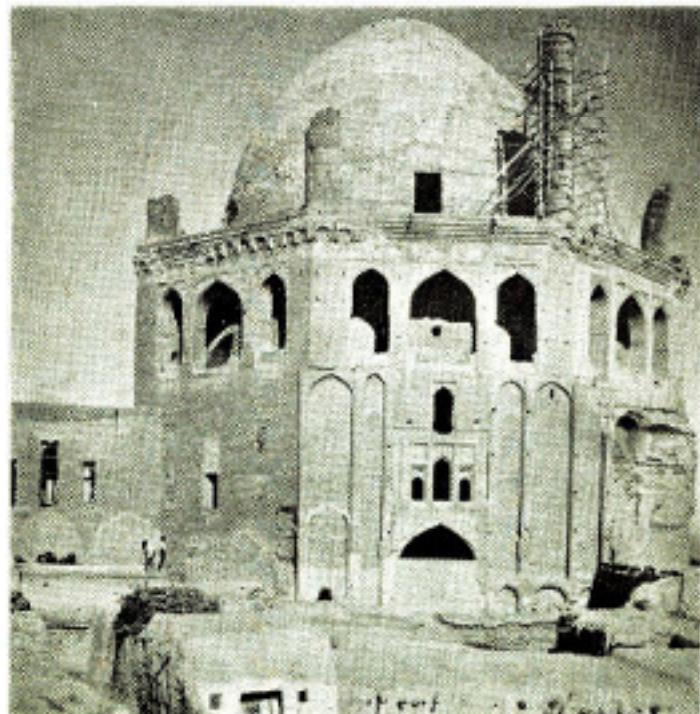
برای نمونه میتوان ابه (۴) آلب را با ایوان جامع فردوس یانی ریز (که اصل آن هر یوپ به پیش از اسلام است) مقایسه کرد . دیوار ابه آلب نسبت بدعاوه طاق آن خود پیمار سطیر و پیرون از اندازه است باز هم معمار آن پشت بندی هرمی بر آن افزوده است تا برای شکست آن نگران باشد در برایر معمار ایرانی در ایوانهای یاد شده و قویزه هایی که از تن دیوار پیش کرده تا بتواند تا آنجاکه میشود طبره طاق را کم کند .

در گند های رومی (اگرچه دعاوه هایی فراخ و اغراق آمیز دارند) طبره پاکار کاهی هراس آورنده و پیرون از اندازه می شود در برایر طبره گند سلطانیه با اینکه پیش از یك شاخدن دعاوه در پاکار نیست میان

در صورتیکه ایرانی با داشتن نمونه های بسیار از آثار ارزنده هنری در هر زمان و در هر جا از رویدن سهم دیگران بی نیاز است . همه میدانند زماینکه در ایران کاخهای باشکوه با درگاههای بلند و طاقهای پیش از ساخته میشند مردم کشورهای دیگر هم شاهکارهایی از ساختهایی کشن با دعاوه های چشم گیر داشته اند و کسی منکر این نمیتواند بود که طاق و گند بستانهای کشور های باخته مانند روم از لحاظ فنی هنوز هم بیوقیب میباشند و کسی نمیتواند و نمی خواهد پیش فت ایشان را در فن طاق زنی و گند سازی انکار کند . چیزی که هفت اغلب فن و هنر را با هم در می آمیزند و شاید از این نکته غافلند که جنبه های مادی و معنوی آثار را نمیتوان عریم آمیخت طاقهای گند های پرده ایه باخته زمین در روزگار کهن شاهکار فن است ولی میتوان پذیرفت که بر قیزه کاری و نظری طاقهای ایرانی همزمان خود



قروین - شاهزاده حسین

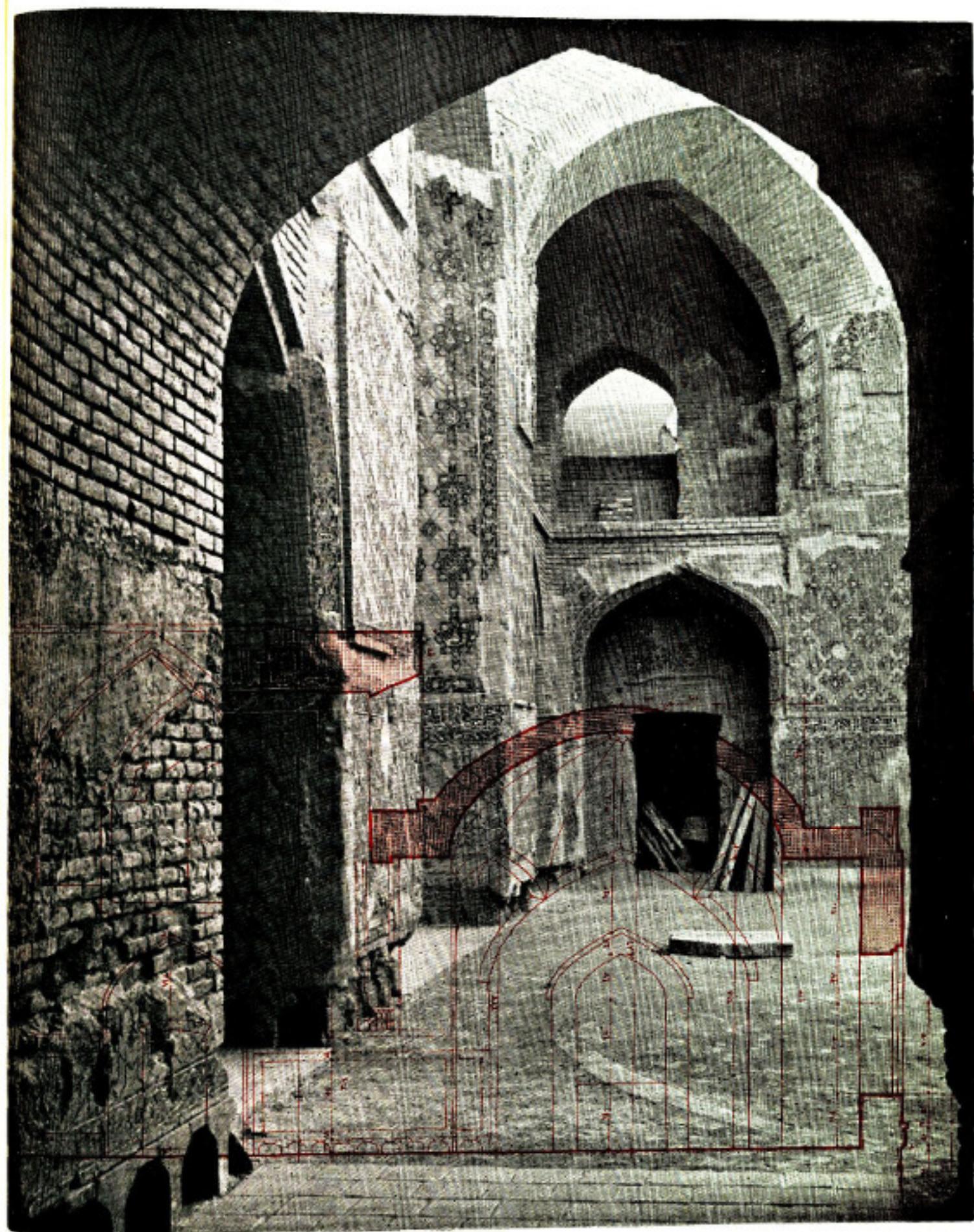


سلطانیه - گنبد سبوئی

و تپیزه آنجا که طاق رو به درون فرو میریزد
آوارگاه (زاویه ۷۰ درجه) و کلایه طاق
درست در جاییکه در موقع فرو ریختن تا
میشود کلکن گفته میشود.

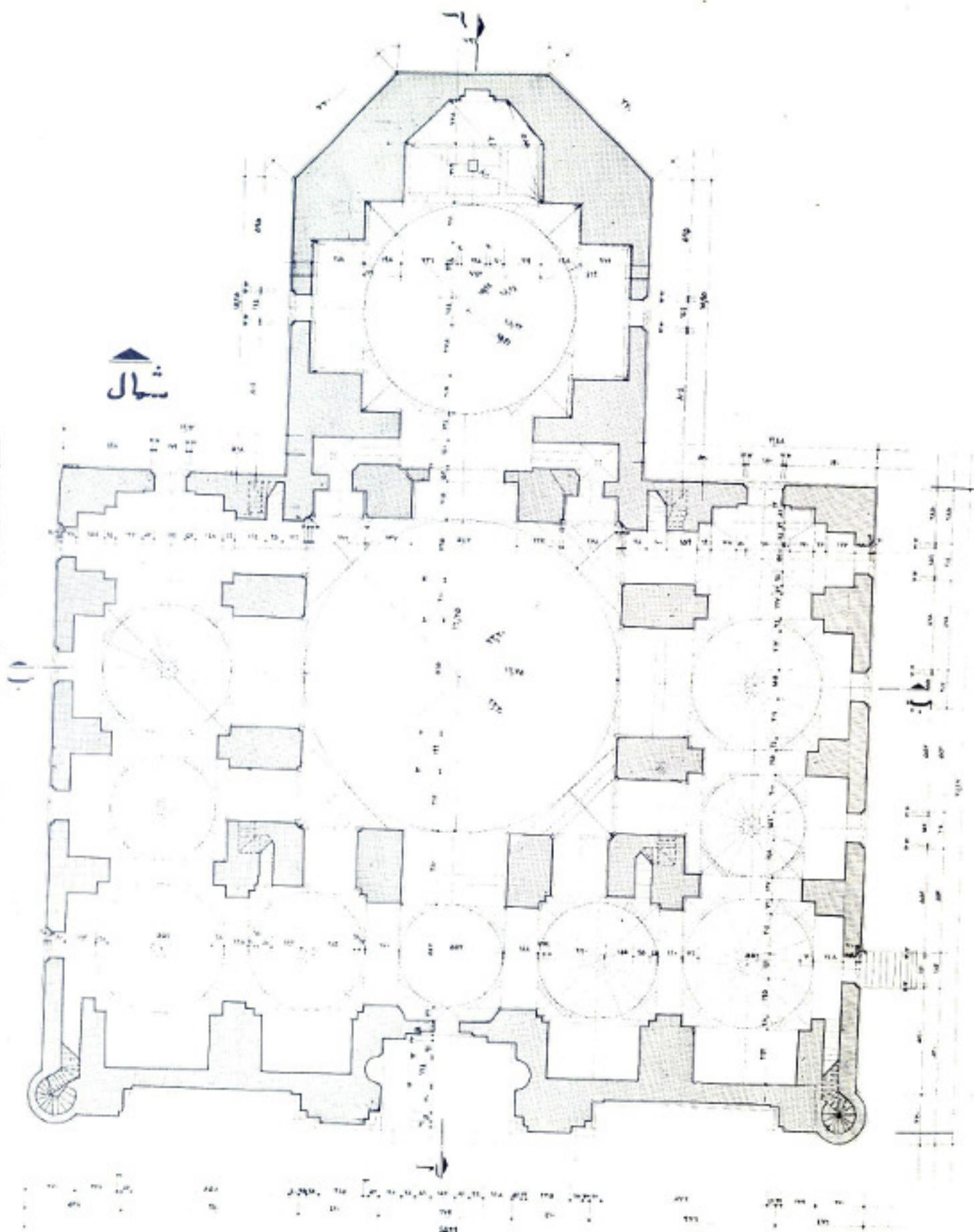
۲- واژه ابه از آبه فارسی در ایدانه و
نظایر آن گرفته شده که بمعنای بنا و سر
پوشیده است و در واژه های گرمابه سردابه
گودابه و نظایر آن بعمرت پسوند آدمه
است.

۳- در طاق (تاکه) و تویزه جزء
نهضت پیشوند ته بمعنای پوشش و برابر علیای
عربی است و هاک (حقد) و ویزه (بیضه)
هر دو بمعنای محفظه نخم مرغ و سر
پوشیده است و در گیلان پلهای طاقی مرغانه
برت (یا پل نخم مرغ) میگویند. داخل
در آلمانی بمعنای طاق.



Tabriz, Masjed Kaboud

تبریز ، مسجد کبود



**Plan de la mosquée Appelée
"Masjed Kaboud"**

برای پیش گیری از فرو ریختن طاق
معمار ایرانی منحنی آفرا در شکر گاه بدرون
و در آوارگاه به بیرون و در گلکن به بالا
رانده است و در نتیجه طاقی بدست آورده
که در هر نفعه برای پایداری تضمین کافی
دارد.

در طاقهای فاری (یعنی وعلی شکل)
و جناغی اندام طاق با فعالیت آن متعلق شده
و در طاق کلیل نیز که نمیتواند افزایش
(ارتفاع) کافی داشته باشد تا آنجا که
توانسته دیوار را کرمه داده (پیش کرده)
و آنجا که پیش فرو ریختن و شکستن میرفه
چیزی کالله آفرا اندکی بالاتر زده و
گرفتاری آوارگاه را بدلسان حل کرده
است.

برای آشنازی با طاق ایرانی بدبخت
که اصطلاحات آفرا در اینجا بیاورید.

ارتفاع از پای طاق را افزایش و قطر
آفرا (از درون) دعاهه میگویند. از پای
طاق تا شکر گاه پاکلار و از شکر گاه تا
آوارگاه شاهد و از آوارگاه تا نیزه (قله)
کالله است و نسبت افزایش به دهانه خیز،
نمایده میشود.

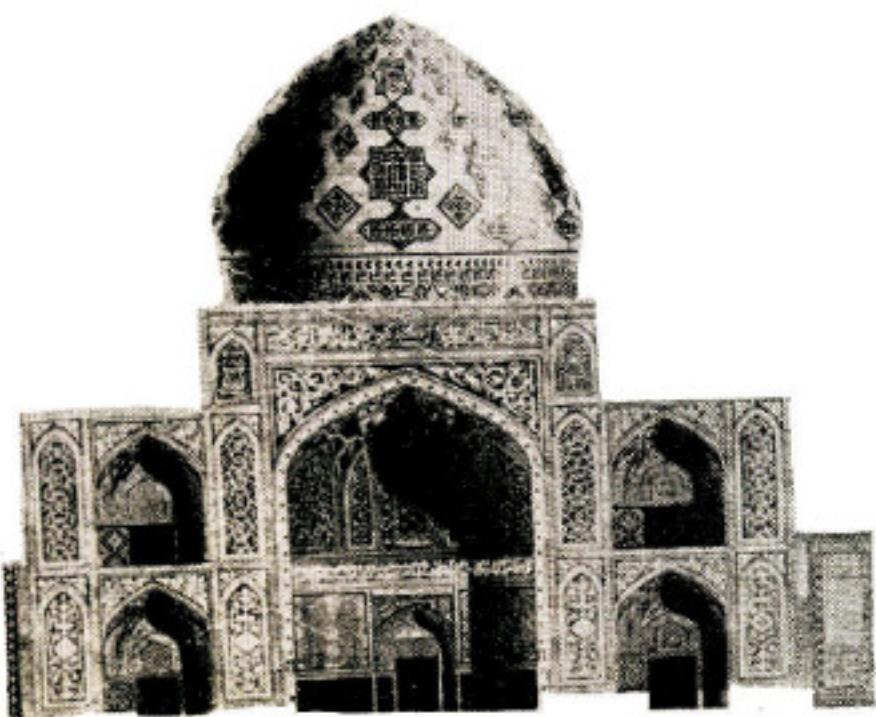
غالبا پاکلار طاق اندکی از جرز پیش
میشیند این پیش آمدگی را اگر ساده باشد
چانه و اگر اندام و شکل ویژه ای داشته باشد
گلولئی (گلولیه گرد شده) نامند.

کاهی برای اینگه راش طاق (ویستر
گبید) متوجه درون شودیای آفرا تومن گشند
این نفعه از طاق را آوگون گویند (یعنی
غیر شکل داده و وارونه شده) فاصله کالله
و نیزه طاق ورگاه تاقاب و کتیبه بالای آن
چکه (چکار = پیشانی و جبهه - جقه) و
سه گوشهای دوسوی آفرا لجک گویند.

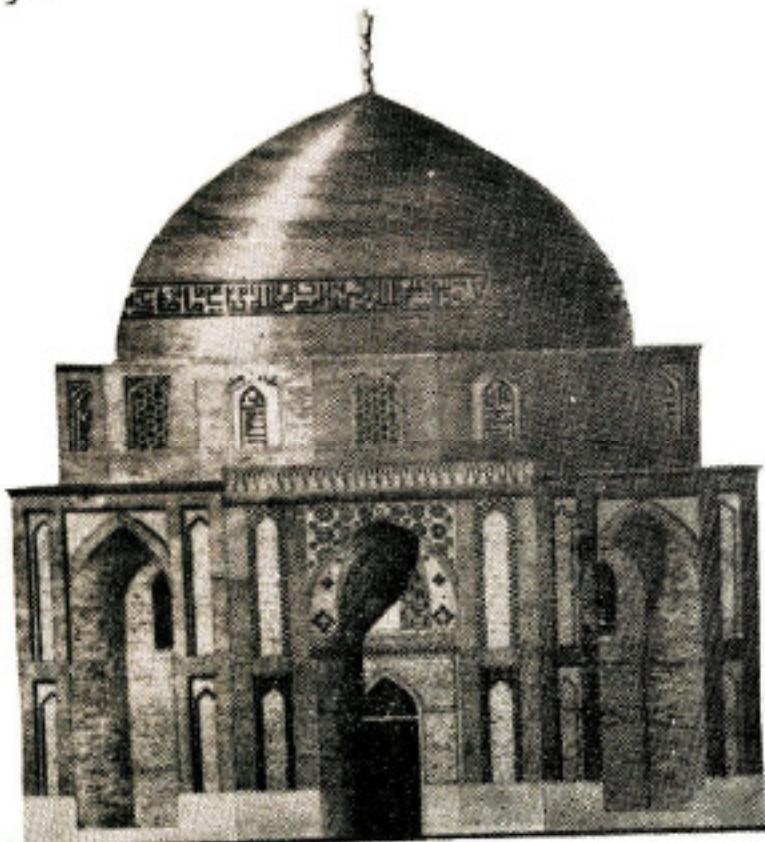
گبید:

در همه زیانهای زنده و کهن جهان
قام گبید ریشه ایرانی دارد (۴)

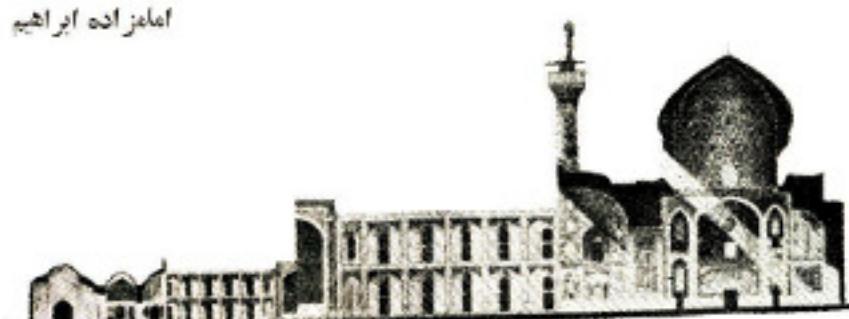
اندام نخ مرغی گبید ایرانی (در هر
زمان و بهر سیک) بما میگویند که ایرانی
از دیر زمان میدانسته است که گریش آن برای
بوش ساختمان متعلق است حال از قسم
دیگری آموخته یا از طبیعت فرا گرفته ما
چه میدانیم؟ آنچه مسلم است مدرکی که
حکمی از اطلاع اقوام دیگر از روزگار این
منحنی باشد در جای دیگر نمی بایم. وقتی با
تسلیم اعلم امروز منحنی فشار و راش با
میاتار گبید را رسم کنیم درست بر گبیدهای
ایرانی متعلق میشود و حال آنکه گبیدهای
کهن با ختر زمین اغلب به هیبات نیمکره است
و متعلق ریاضی ندارد.



امانز اده محروم



امانز اده ابراهیم



نسوئنه یک گبید نار

Mahroug

Imamzadeh

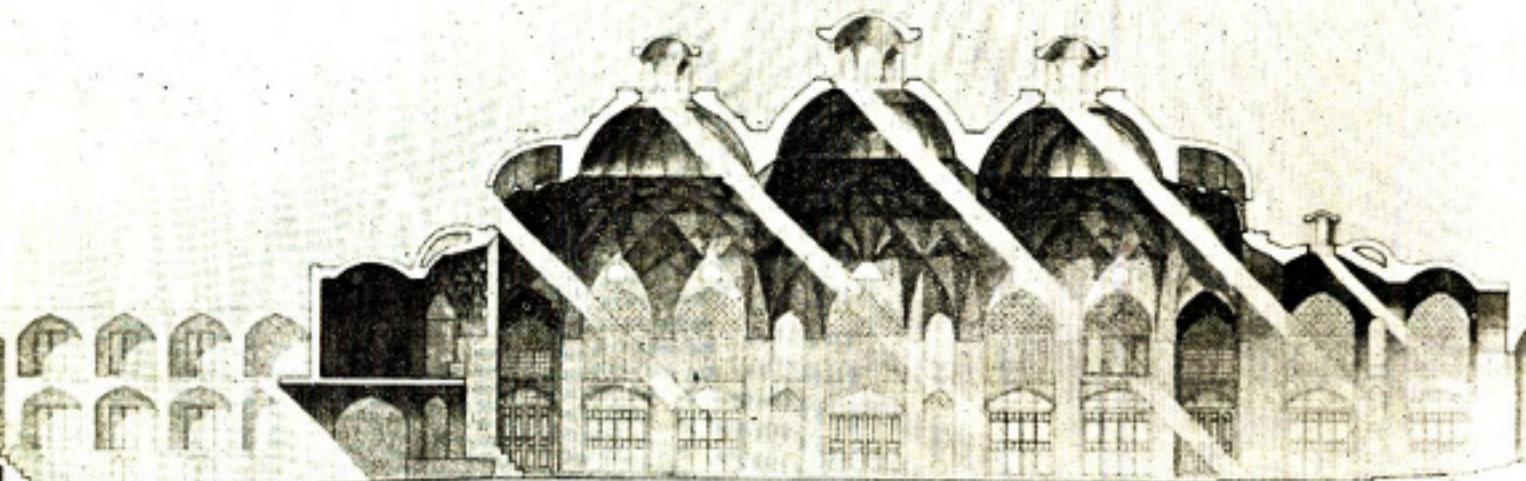
پندانسته و گمان کرده اند که این کاربندی (۶) روسازی خرگاهها و چادر های پشمین و گلیمینه ترکان است (شاید در این مورد متناسبانه تعصی هم دخالت داشته است).

نهادن گنبد یاک راست بر روی تر به بی هیچ چیز و شکنج و کاربندی رسمی و بزدی (که یادگاری از معماری پیش از اسلام است) نیز از این خطا برخاسته و از مدرسه زیبا ولی کوچک شهاب الدین قاسم طراز بزد برآه افتاد و همراه با معماران دستگاه قرموزنلوها از راه کاشان به تبریز رسیده و نخست در مسجد کبود و سپس هرچه نظر نزدی و پیراسته تر در مسجد شیخ لطف الله

های فیلپوش یا، پتکانه هشت گوش گردیده و سپس بالا فصله مدور شده و چون واهمهای از ارتقای و شکوه پیرون از اندازه بوده بساد کن گنبد بر زمینه و نشیم گرد نشته است.

این طرز گنبد سازی در شهر های جنوبی و مرکزی ایران و نقاطی که با مرکز تمدن و دگرگون شده پس از اسلام ارتباط وابستگی زیاد نداشته هم چنان پیجای هانده و می بینم پس از آنکه حمله، سیعاه مغول کانوئهای اصلی پیشرفت هنر معماری ایران هائند خراسان و ری را نهی از مردم هنرمند کرد، شیوه کهن گنبد سازی بر روی تربیه

در کالیه ادوار تاریخ معماری طاق و گنبد ایرانی در شکر گاه بسرون و در اوراگاه به بروون متایل شده و حتی گاهی با شکستن کلاله دو نقطه خطر و شکست تغییر محل داده و به پاکار و شانه گردیدکتر و اختلال شکستن و فرو ریختن آن پس کفته شده است. این قاعده ها در کالیه ا نوع طاق و قوس و گنبد چه کلیل و چه جناغی چه گنبد ناری (پیازی) و چه رک (مخروطی و هرمی) چه کلاله دار و چه این کلاله اعمال شده و نقاط ضعف از میان رفته است. گاهی منحنی گنبد در شکر گاه رفته است. گنبد متحنی گنبد در شکر گاه تغییر میزد و بداخل متایل شده این



تم بزرگ قم مطلع خواهد

ARCADE OF GHUM - CROSS SECTION

اصفهان (توسط معمارانی که شاید همراه شاهان آذربایجانی صفوی بوده اند) بکار رفته است زمینه طاقدیس ها در ایران کهنه بسیار متعدد بوده بطوریکه مخصوصا در دوران ساسانیان دو گنبدخانه و مقصوره را تنبیه اوان یافت که بهم شیاعتی داشته باشد. زمینه چهار گوش گنبد عمولا در میان و گوشها مرتع کامل و در دو سوی گنبد های اصلی مستطیل فردیک به مرتع بوده و کانی پختلا گوشیده اند که هنلا دو گنبد طرفین طاقدیس اصلی و میان کاخ اردشیر (در شهر گور) را هشت گوش کنند در صورتیکه چنین زمینه این دو گنبد شش گوش

۵- بازه یا مسجد بیداخوید بزد تها در شکر گاه گنبد بعد تعمیر شده و مستخورد گی پیدا کرده و ساختمان اصلی بخصوص کار بندی زیر گنبد آن بسیار کهن است.

۶- کاربندی و مفرنس در بخش دیگری مورد بحث قرار خواهد گرفت.

های ساده و کاربندی می بیرایه بزدی توسعه هنرمندانیکه در پایتخت ایلخانان ایرانی شده و غمول در آذربایجان گرد آمده بودند و سپس، همراه هنرمندانی که تیمور بسایر نویزی پایتخت خود به سمرقند و شهرهای دیگر خراسان کوچگانیده رسپان مراکز اوین معماری اشراقی شده است. بزدی بندی در مهرابه یا بازه بیداخوید (۵) بزد (کتفلا) با محابی سنگی که تبعنا گچ کار گذاشته شده) یا مسجد کوفی آن آبادی بجهنم می خورد که از آغاز اسلام یا اندکی پیش از آن هم چنان دست نخورده بجای ماتده و با معماران بزدی و اصفهانی و شیرازی (که خوشبختانه نامشان زینت پخش گور) که خوشبختانه نامشان زینت پخش گور امیر و مسجد بی خانم (هر سر تیمور) و بقیه قاضی بسوی سایر بنایهای سمرقند و مساجد و خاقانهای خراسان کوفی که در دوران فرمانروائی تیمور و فرزندانش ساخته شده است. در بنا های پیش از اسلام ایران هی بیش که زمینه چهار گوش گنبد یا تربه

شعله را در گنبد آو گون گویند یعنی جایی که حالت و وضع گنبد دگر گون شده و بر عکس چهت نخستین براه افتاده است. این بزد کوششی است بسیار تعریض در راهن رانش گنبد بدرور آن. زمینه چهار گوش گنبدخانه یا طاقدیس (متصوره) یا چهار سکنج یا تربه فیلموش پتکانه هشت گوش و سپس با طاق بندی شکنج رسمی یا کاربندی بزدی شاخد گوش و بالآخره دائره شده و گنبد بروی آن استوار گردیده است.

زیر گنبد سازی:

تهرنگ طاقدیس آن از آغاز تاریخ معماری ایران تاکنون با یاک، قاعده صحیح و منطقی تقریباً یک طرز پیش رفته ولی مرتبه شکنج ها و کاربندی ها برداخته تر و مردم وارقر شده است. در بنا های پیش از اسلام ایران هی بیش که زمینه چهار گوش گنبد یا تربه

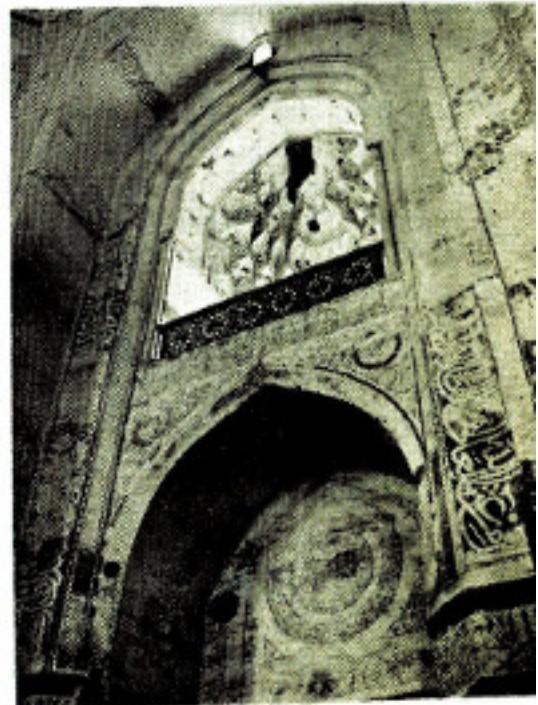
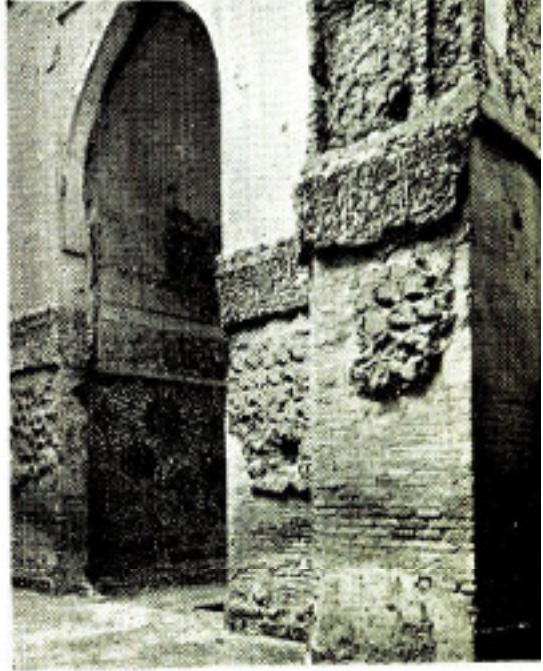
از آن در جامع اصفهان هست بطرز بی نظیری اعمال شده) . و یکباره پس از حمله مغول به عالی که پس از این می‌اید تغییر شکل داده و منتقل شده است .

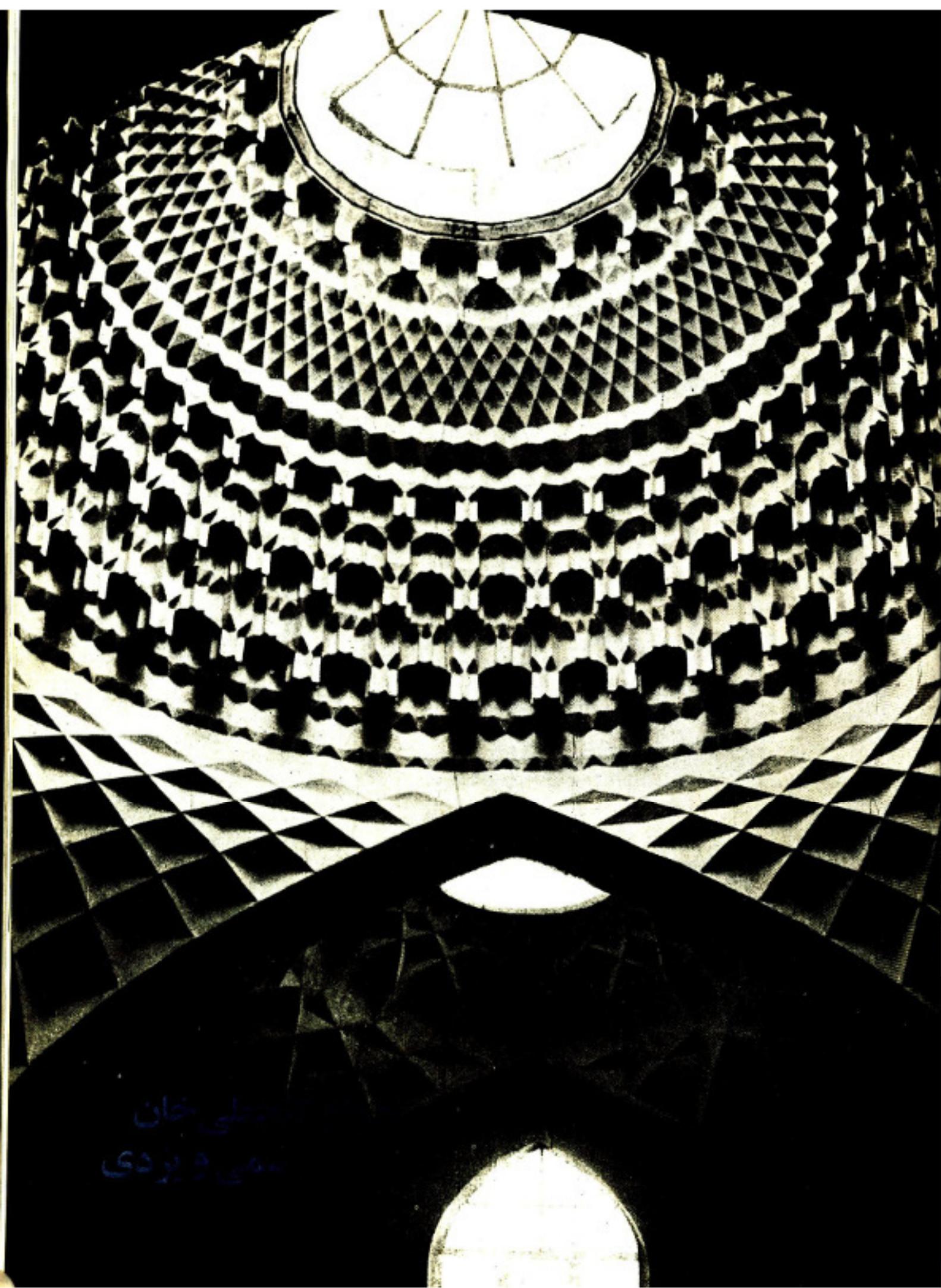
پس از کشته ستمکارانه مغول تا زمانی دراز لاله هائیکه بر خاک شهدان شادیان خینابور و بامیان بلخ رسته بود داغ بر دل داشت ، خراسان از مردم نهی شده بود و در ویرانهای ری حتی بومهم یارای پائیدن نداشت . هنرمندان خاور و شمال ایران تیاه شده بودند و بازماندگان انسان هم (اگر باز ماندای می‌بود) شهر هائی گریخته بودند که فرمادر وایان آنها با حسن سیاست و سازشکاری و سلوک و آب افشارند پرآتش مردم خواری درندگان ویرانگر و یا پذیرفتند باج و ساو ، از ویرانی و تباہی آنها پیش گرفته بودند .

خوشبختانه شهر ها و آبادیهای فارس و کرمان و بزه تا اندازه ای از ویرانی رست و این منطقه گنجینه ای از ذخایر هنری ایران

است و پوشش شش گوش و دوازده گوش بخصوص در مهرابه ها بسیار رایج بوده و آموه آن در زیر زمین جامع محمدیه تزدیک نائین و مهرابهای که در دل کلیسا طاطاووس قدیس در سیطام کاکو است بخوبی دیده میشود (هرجند که طاق قدیس کلیسا بازسازی و دگر گون شده است) زیر سازی و شکنج زیر گنبد پس از اسلام بر اثر علاقه ای که بهردم وار شدن و فرار از شکوه و فراز جوش بیهوده اعمال میشده با طرح زمینه هست گوش بیاری ترقیه ها یا دبه بندی های پتکانه و پتگن و فبلیوش و سپس شکجهای رسمی روی هشت برخشن (پاره ای از دارمه با خیز کم) و سپری ها و پتکانهای شافرده گانه و شابرک ها و گربه ایها تامین میشده است و پس از آنکه معماران ایران دل و دماغی باز یافته بودند کار این شکجهای بوریه در سیط شکوه بند رازی بسیار استادانه و با تفتن پیش فته (هم چنانکه در طاق بندیهای رازی که خوشبختانه نموده بسیاری

- ۱ - مسجد کبود
 - ۲ - سلطانیه
 - ۳ - شکنج سازی زیر گنبد سلطانیه
1. Masjed-é Kaboud
2. Soltanieh
3. Décoration architecturale sous la coupole





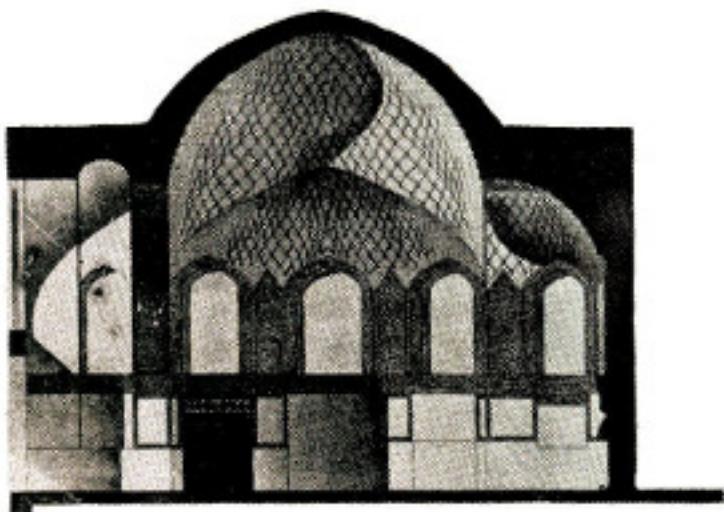
شاهزادی خان
سی و بیست و پنجم

شده که نسبتاً از تاریخ بر کار مانده بود . در این دوره تعداد بسیاری مسجد و هدرسه و حلقه‌های در حمایت پیرگان و حامیان باذوق ، معماری در فارس و کرمان و بیزد ساخته شد . و این منطقه میدانی برای هنر نهائی استادانی شد که از سراسر ایران بدان حدود روی آورده بودند .

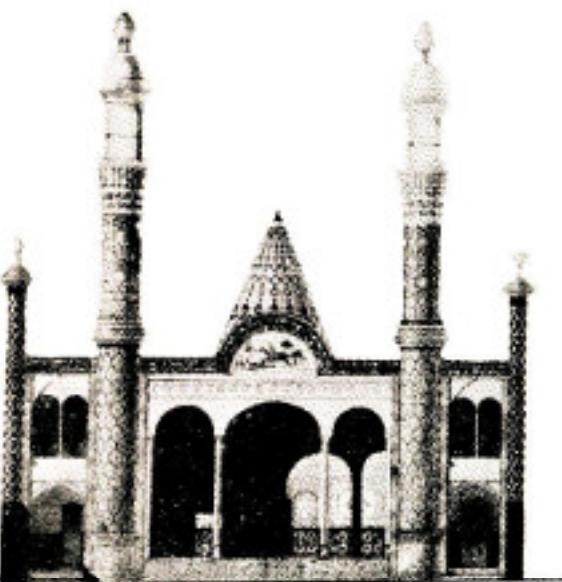
با دستیابی پگنجینه های هنر معماري پیش از اسلام که در این خطبه ذکر شده بود روش‌های تازه‌ای از تو معمول شد و در واقع رستاخیزی در معماری ایران بوجود آمد که آثار آن سراسر ایران را گرفت . پیش از ظهور تیموریان افرخود کامگی و برتری جوی امیران و امیرزادگان این فاحیه جنگها و برادران کشیها و آشوبها و آشتفگی‌ها مردم را به تنگ آورده بود و کسانی را که راه بجایی داشتند بوزیدادشندان کانون‌های فرماتروائی نیرومندان را پیش و هنروران و سخنداشان راه پایتخت‌ها و گرفته و آنانکه چون خواجه شیرین سخن شیر از «شیوه مافصلی و آب رکنایاد» رخمت جلایی و ملن بایشان نمیداد آرزو میکردند که در راه پیکارگی و نیرومندی ایران دست چنین همیمازید که تیمور را نیز همان دست غربی میدانستند تا جایی که شاعر آسمانی با صفاتی خوش باوری میگفت «خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دعیم ، کر نیمیش بیوی جوی مولیان آید همی » .

تیمور سراسر ایران را آفروز گرفت و برای ساختن پایتخت خود سمرقند هنرمندان و پیشه‌وران را در آن شهر گرد آورد . کاربندی بزرگی که پس از قرنها باز جای خود را در زیر گنبد‌ها بازگردانید جانشین شکجهای رسنی شد و گنبد گرسودار (گردندار) که پدیده‌ای ، اضطراری برای پوشش دوم که پوشش‌های بزرگی (۷) مینمود اگر چه مدنهای پیش بر آرامگاه سلطان پخت آغا (همسر محمد مظفر) و بقیه شیخ داود در نصر آباد و چند بنای معروف دیگر خود نهانی میکرد چنان عمومیت یافت که نشانه و شاخص بنای‌های آن دوره شد و بالآخره نهادن گنبد بر روی چنبر ساده‌ی شکنج و کاربندی مانند آثار پیش از اسلام از نوجوان گرفت و چنانکه پیش از این بادشد در جنوب ایران به کاشان و آذری‌باجان راه سپرد و باز پاسخهان و جنوب باز گشت .

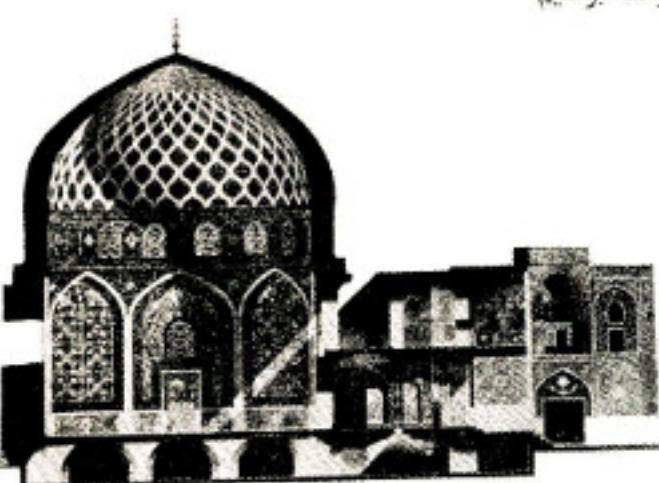
زیربندی گنبد و رسم‌ها و شیوه‌های آن چندان گوته بگوئه است که در این مختصراً ، تبیگت و هریک از آنها می‌تواند موضوع رساله و نظر چداغهایی باشد .



طالار اشرف



شاهزاده ابراهیم



مسجد شیخ لطف‌الله

Isphahan, Mosquee Cheikh Lotfollah

۷- روی بزرگی بندی ناجار باید تویزه دزده شود که وجود آن پشت گنبد را ناهموار میکند و فاصله پوشش دوم ناگزیر است .

LES MONUMENTS DE
 PRECIEUX EXEMPLES
 ROIS ACHEMENIDES
 LE GRAND
 CYRUS LE GRAND ET DARIUS
 PERSEPOLIS ET DE SUSE:
 DES IDEES NOVATRICES DES
 PAR ISSA BEI INAM .



ساختمان‌های تخت جمشید و شوش نمونه ارزشمندی از
 طرز فکر شاهنشاهان هخامنشی ، کوروش بزرگ و
 داریوش بزرگ‌گند .

از : عیسی یهnam

● ساختهای تخت جمشید و شوش
نمونه زندگی از طرز فکر شاهنشاهان
همانشی، گوروش بزرگ و داریوش بزرگند.

در نظر اول هر کس ویرانه های تخت
جمشید را بیند بیاد معبد پارتون پرستنگاه
های فرعونی خصوصاً معبدهای کاخ
های پادشاهان آشوری در نینوا و خرساباد
میافتد.

ظاهر امکان مقایسه کاخهای تخت
جمشید و شوش با اینهای فوق اقتصادی از
منطق دور نیست ولی علاوه بر آن
با قیامانه از دوره شاهنشاهی هخامنشی با
هیچیک از آنها مقایسه نمیگردد.

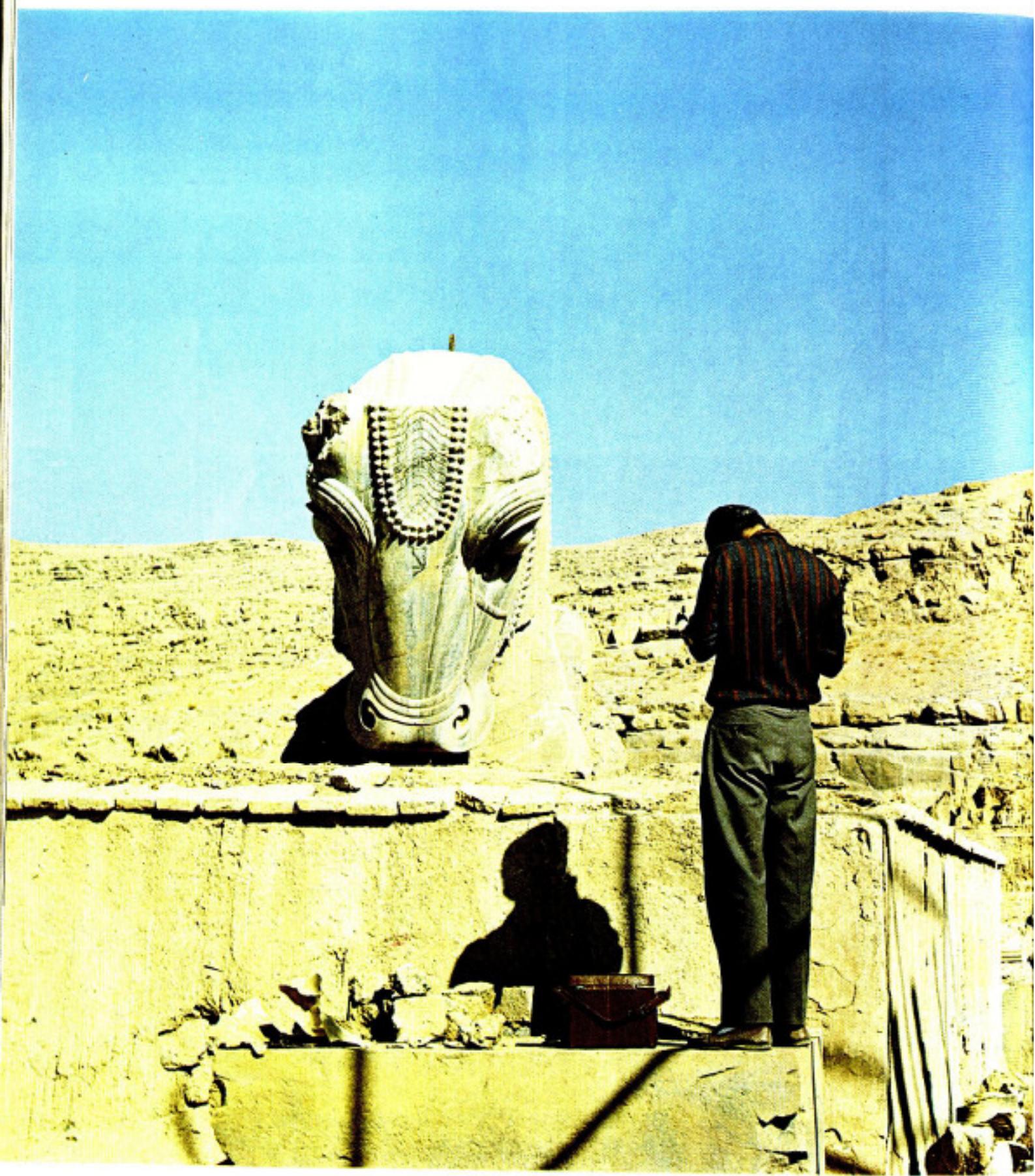
کاخهای تخت جمشید و شوش تقریباً
۳۵ سال پیش از معبد پارتون در آن ساخته
شده‌اند و با وجود شباهت فوق العاده‌ای که
بین ستون‌های شباردار تخت جمشید باستون
های دری دریوان و دیوارهای داخلی معبد
پارتون را زیست میکرد، بسیار غیر منطقی
است که بگوییم سازندگان تخت جمشید و
شوش از معبد پارتون الهام گرفته‌اند.

درست است که شباهت هایی بین پایه
های ستون کاخ صدستون تخت جمشید با
پایه‌ها و حتی سر ستون‌های معبد «کرنک»
وجود دارد ولی فاصله بین این دو ساخته
از حیث زمان بقدری زیاد است که امکان
تقلید یا اقتباس را باید بهر خوب از نظر دور
کنیم.

شباهت با ساختهای آشوری بیشتر
در کاخهای تخت جمشید بضم میخورد، ولی
این شباهت کاملاً سوری است و سنگ
تر اشاییکه در تخت جمشید کار کرده‌اند با
اینکه نقش برجهه و خصوصاً مجسمه‌های
حیوانات فرضی بالدار نیتواو آشور را هنوز
بخاطر داشته‌اند ولی آن نقش را یکلی با
طريق دیگری در تخت جمشید پیکار برده‌اند.
در واقع مدارک کتبی لوحه‌های گلینی که
از آرشیو های تخت جمشید بدست ما رسیده
لوحدای که بدستور خودداریوش در زیر ساختهای
شوش قرار داده شده و پیماری از مدارک
واقعی دیگر که ذکر آنها در این مقاله
موجب تعلوبل کلام میشود، نشان میدهد که
برای برپا کردن کاخهای تخت جمشید و
شوش، داریوش دیرگ از تمام صنعتگران
مصری و یونانی آسیای صغیر و باطنی و
شامی و مادی استفاده کرده است.
(بنیه در صفحه ۴۵)

نهانی از چند ستون و بیک پایه ستون.





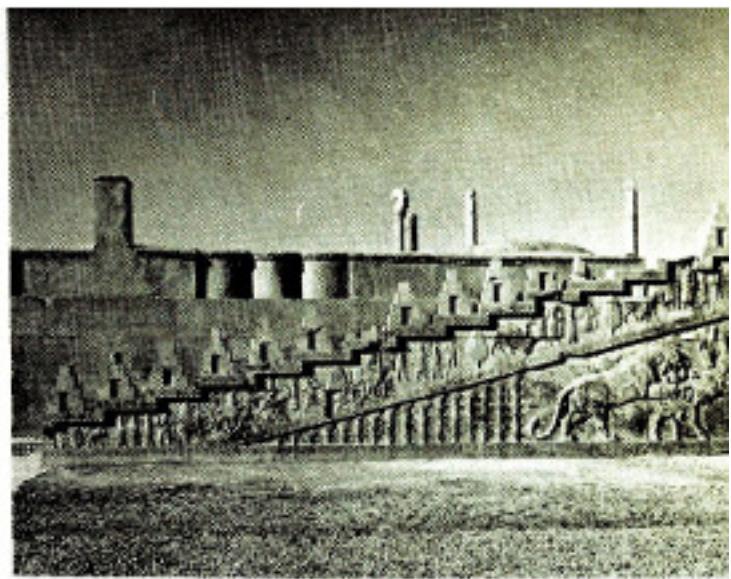
فَرَوْمَعَارِي

٥١

١١٦١٠

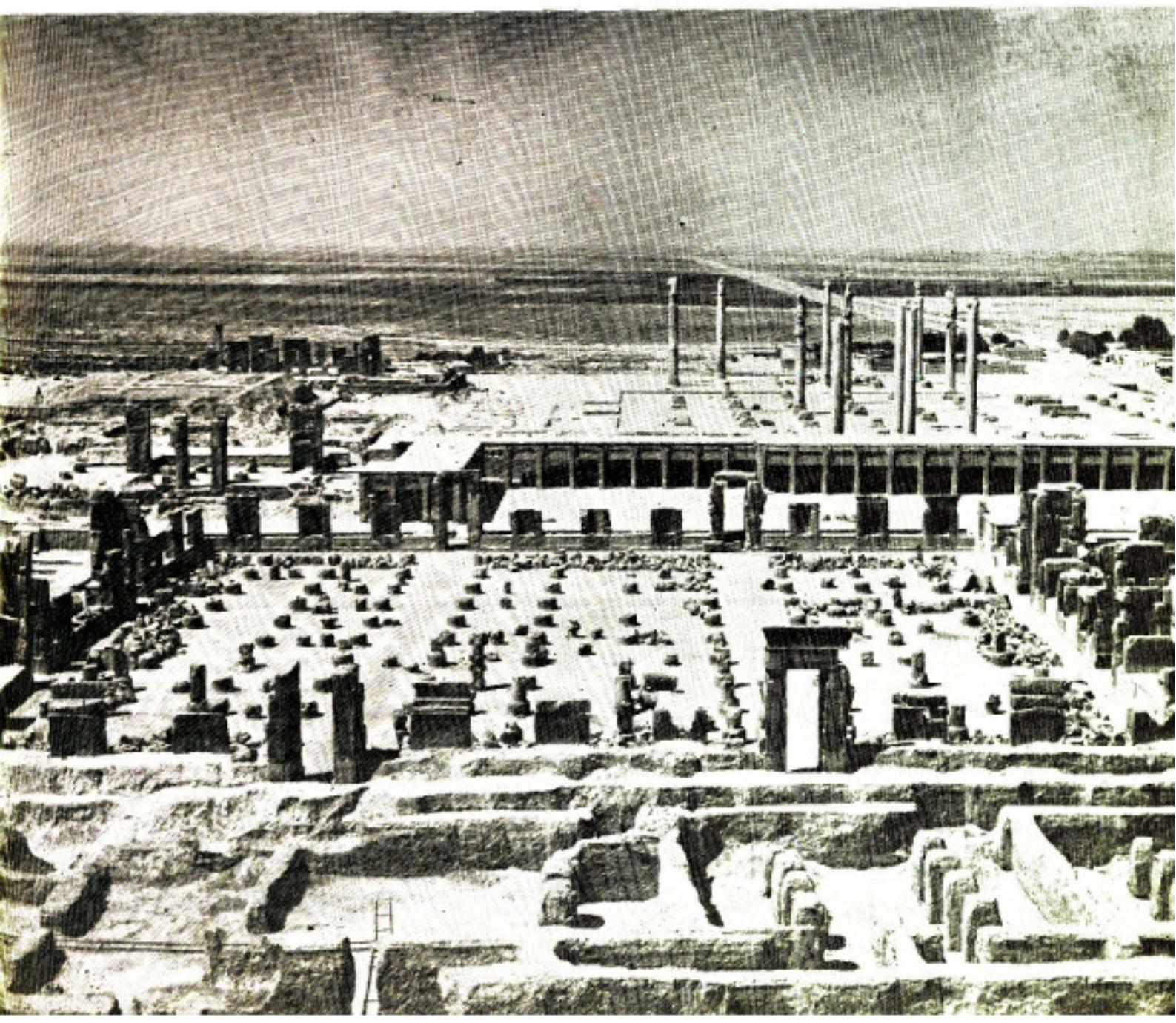


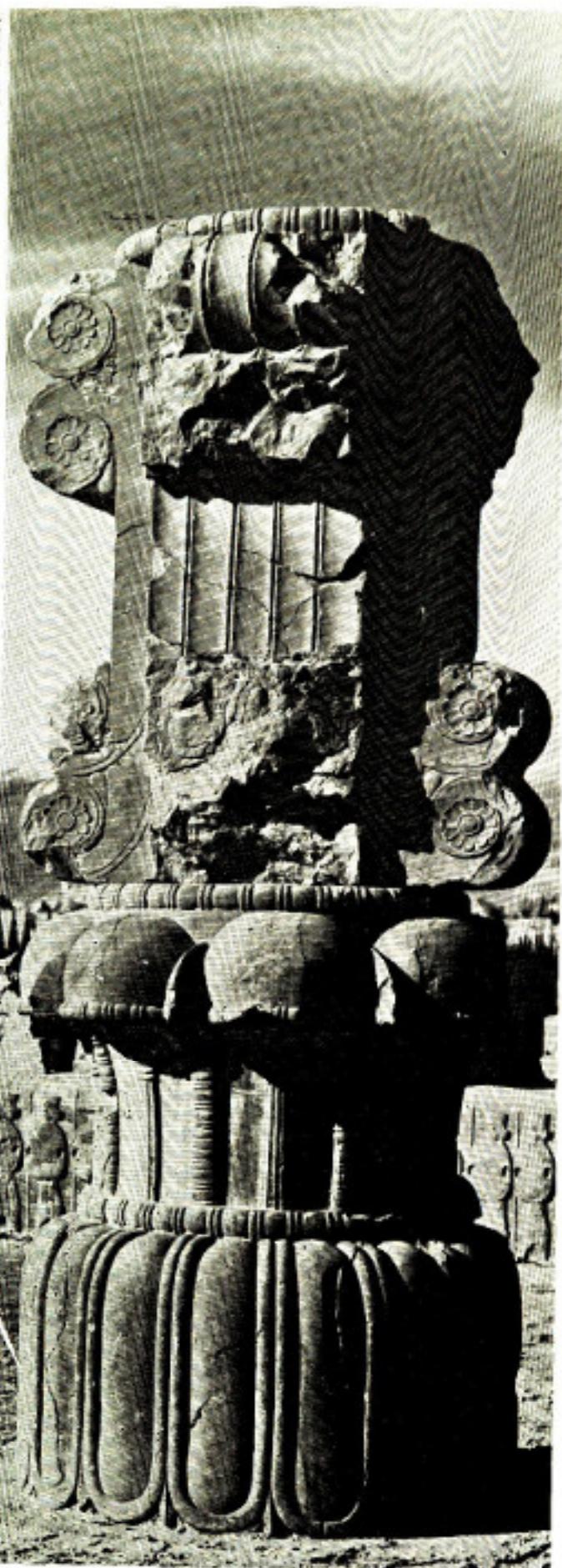
پایه سنون به شکل مجسمه‌ای از ۳ شیر نش
منظراتی از مجسمه‌های تخت جمشید.



پله‌های ساخ آپادانا

**Vue d'ensemble de
Persépolis.**



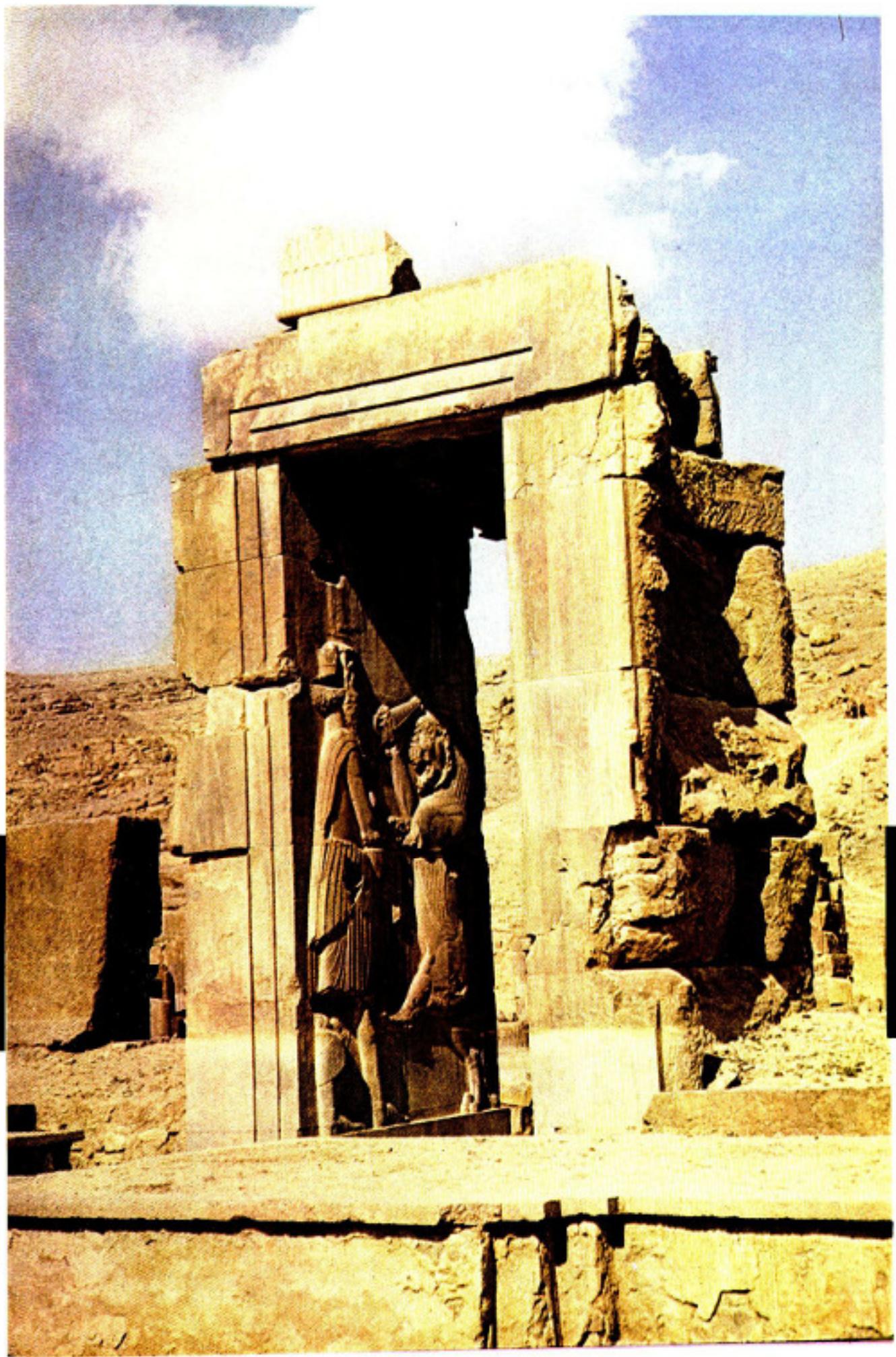


من برای نخستین بار این فرضیه را اثبات میکنم و ممکن است خواهدگان پذیرند ولی ممکن است تحقیقات بعدی آنرا تائید نمایند.

من تصویر میکنم که اسولا پارسی ها یعنی مردمی که در عرض مدت ۱۰ سال با سر کردگی کوروش بزرگ از هندتا مدیترانه را جزو منسفات شاهنشاهی ایران گردند اشغال به سنگتراشی و بنایی و این قبیل کار ها را برای خود کوچک میدانستند آنها از کودکی سواری تیر اندازی و احترام به اصولی را که بار ها تاریخ نویسان از آن صحبت کرده اند و بار ها داریوش اول در کیه هایش ذکر کرده یعنی احترام به اصول سه گانه اندیشه نیک - گفتار نیک - کردار نیک را تقدیر کرده اند و بزرگانشان فرامیگرفتند و خود را برای حکومت و برای سر کردگی مهیا مینمودند.

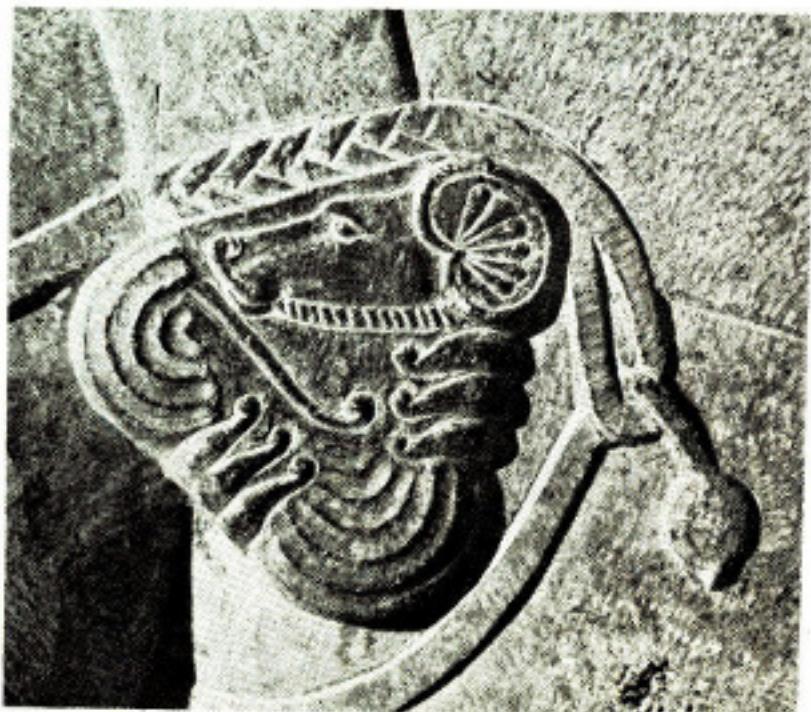
بار دیگر لوحة داریوش را که در زیر آپادانای شوش قرار داده بود مرور فرمائید. وی میگوید از مصر و ماد و بیوتان، آسیا کوچک و بابل کارگران برای ساختن این بنا به شوش خوانده شدند ولی صحبت از پارس ها نمیکند.

در میان ۱۴۰۰۰ لوحة گلکی که در آرشیو بایگانی های تخت جمشید که در تاریخ ۱۹۳۴ بوسیله دکتر اشیت کشف شد و در حدود ۳۰۰۰ لوحة آن تا این تاریخ



بزرسیه دو نفر از دانشمندان بزرگ آمریکائی آقای پروفسور کامرون و آقای ریچارد هالوک ترجمه شده بارها صحبت از این است که برای فلان تعداد کارگر سنگ تراش مسیری یا خشت کار و نجار با پلی فلان مبلغ بیول و فلان مقدار جنس برای فلان مدت کار داده شده ولی همیشه اگر احیاناً نام بات پارسی در عیان آن کیمی ها دیده میشود برای این است بگویند که فلان تعداد کارگران تختسر پرستی بات پارسی در فلان محل مشغول کارند.

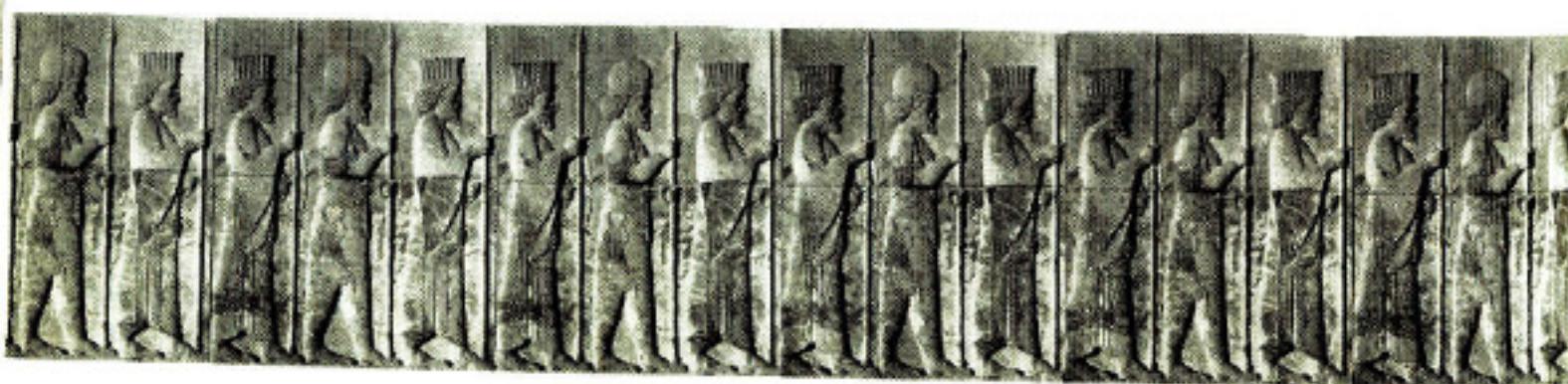
جزئیات یکی از قتوش بر جسته تخت جمشید



در عیان ملتهایی که خمیمه شاهنشاهی ایران شده بودند تعداد بسیار زیادی صنعتگر و هنرمند وجود داشتند که قرن ها بلکه هزاران سال از پدر به پسر در کارهای ساختهای و زرگری و فاز کاری و سنگ تراشی و غیره مهارتی پیدا کرده بودند و وقتی آشوری ها به تاجیهای از ماد یا سومر و ایلام حمله میکردند ابتدا صنعتگران را از میان گیران جدا میکردند و به نینوا و آشور میفرستادند و بعداز آن بقیه مردان را از دم نیخ میگذ راندند و زن ها را بسارت پیش دند.

آنچه که به نظر من مهمتر است این است که کدام معمار که حتی نخواسته است نام خود را گوش شنگی در تخت جمشید یا شوش برای ما پیادگار گذاشت تو استه است از مجموع این صنعتگران طوری استفاده کند که گاخهای عظیمی بوجود آورد که به پیش از آن دیده شده بود و نه بعد از آن دیده شد همانطوری که کوروش بزرگ که بنیان گذار شاهنشاهی ایران بود چنان بزرگ میبدید که حتی امروز هنوز توانیم فکر واقعی اورا درک کنیم.

UNE DES PORTES DU PALAIS



کوروش از همان روزی که پادشاه گمنام در جنوب ایران بود که بر قوم پازار کادی حکومت میکرد مرافق هنگامی بود که حوادث به او اجازه دهد جهان آن روز را تحت یک حکومت مرکزی، حکومتی که پایه و اساس روی عدالت اجتماعی و بر ایری و برادری ملت‌ها بود قرار دهد.

ما هنلخانه مدارک کتبی زیاد از دوران کوروش بزرگ نداریم ولی همان یک استواقدای که در پاییل گشته شده و امروز در موزه بریتانیا محفوظ است و آنقدر سر وحدا بربا کرده مطالعی را دربردارد که هنوز ما با فکر قرون پیشتر خودمان تمیتوانیم آنرا در موزه‌خان جای دهیم.

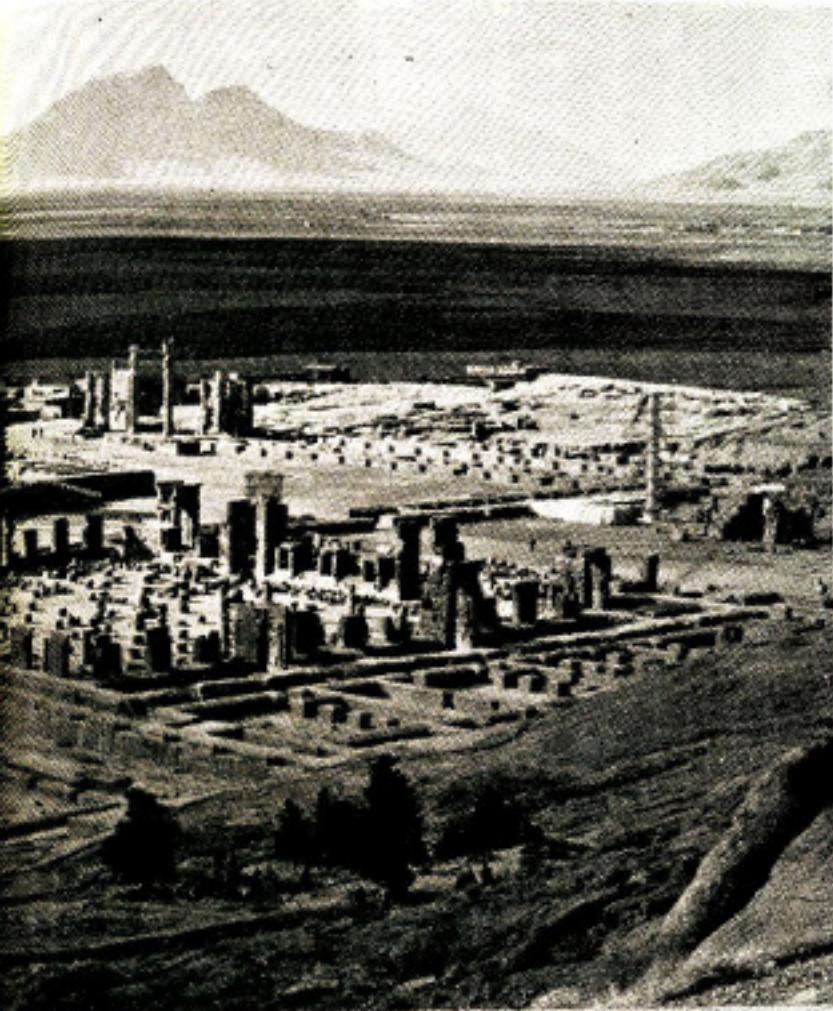
آیا کسی هست که امروز بتواند فکر حکومتی جهانی را در موز خود بپروراند؟ آیا چنین شخصی را مجنون نخواهد خواند؟ امروز ممکن بود اینطور فکر کرد و آنطور عمل کرد آمروز اگر کوروش عمر زیادتری کرده بود امکان این بود که تمام جهان از اروپا تا آسیا تحت اداره یک حکومت درآید ولی دیگر آن موقعیت‌ها از دست رفته است و اگر کوروش بزرگ امروز در این جهان پدیدار میشد همان فکر آمروزش را تمیتوانست به مرحله عمل وارد گرد.

این فکر را از نظر معماری داریوش اول اجرا کرد، من تصور میکنم روزی داریوش معمارش را که شاید پارسی بود و شاید هم پارسی نبود و از کجا که مثلاً آشوری یا بابی نبود، به حال هر که بود او را صدا کرد و از او خواست در روی سکوی تخت جمشید که مهد پرورش قبیله هخامنشی و اجداد او بود کاخ هائی بربا کند که در آن نشانه‌ای از تمام ملت‌های که داخل پرشاهنشاهی ایران شده‌اند دینه شود.

آنقدر با شکوه و مجلل باشد که بتواند با بزرگی شاهنشاهی ایران رقابت کند که شایسته شاهنشاهی باشد که از هند تا آسیا پرداز

تصور میکنم شاه ساعتی افکار بلند خودش را برای آن معمار با هوش روش کرد و آن معمار که اگر آنقدر که برای قیدیاس یونانی‌ها تبلیغ کردد برای او هم میکردد امروز نام بلندی در هنر معماری جهان داشت موفق گردید فکر بلند داریوش را وارد مرحله عمل کند.

در واقع ساختمان آپادانای تخت جمشید و شوش بهمچ ساختمانی که پیش از آن بوجود آمده باشد شباهت ندارد تنها شاهت آن از حيث طرح به کاخهای کوچک پازار گاد تر دیگر میشود ولی از آن کاخ بسیار بزرگتر بسیار بلند تر و بسیار با شکوhter است.

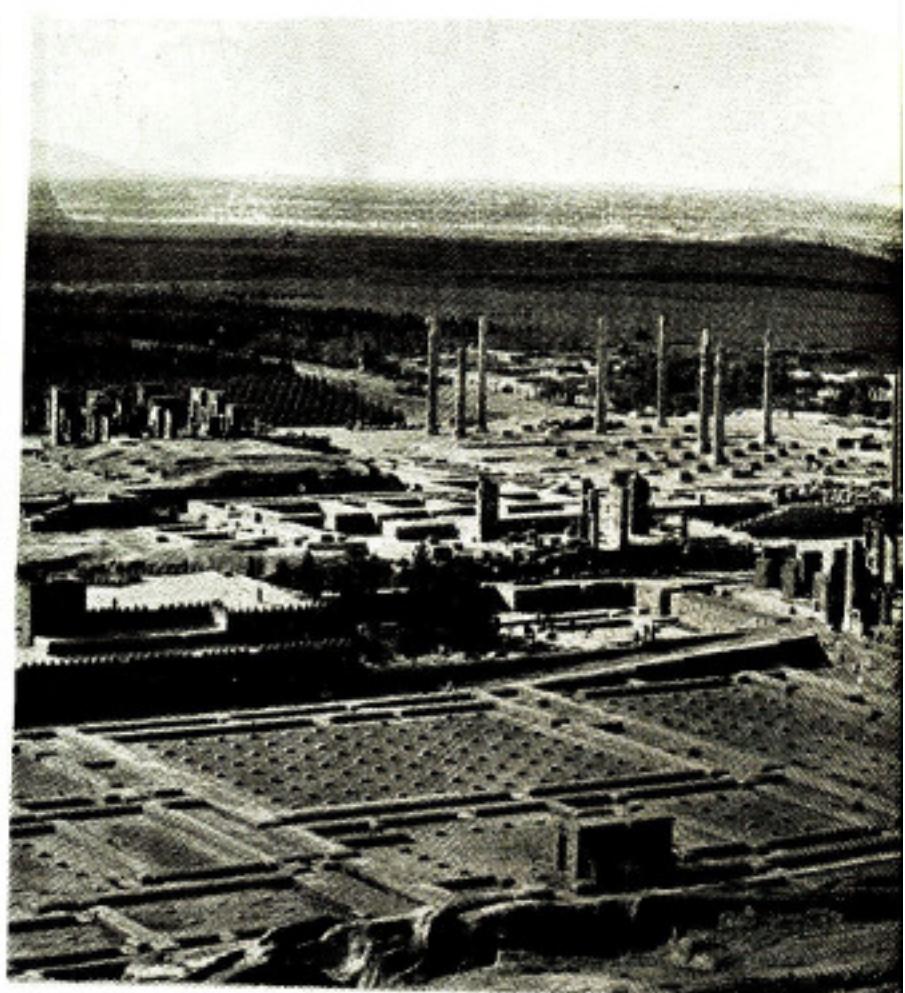
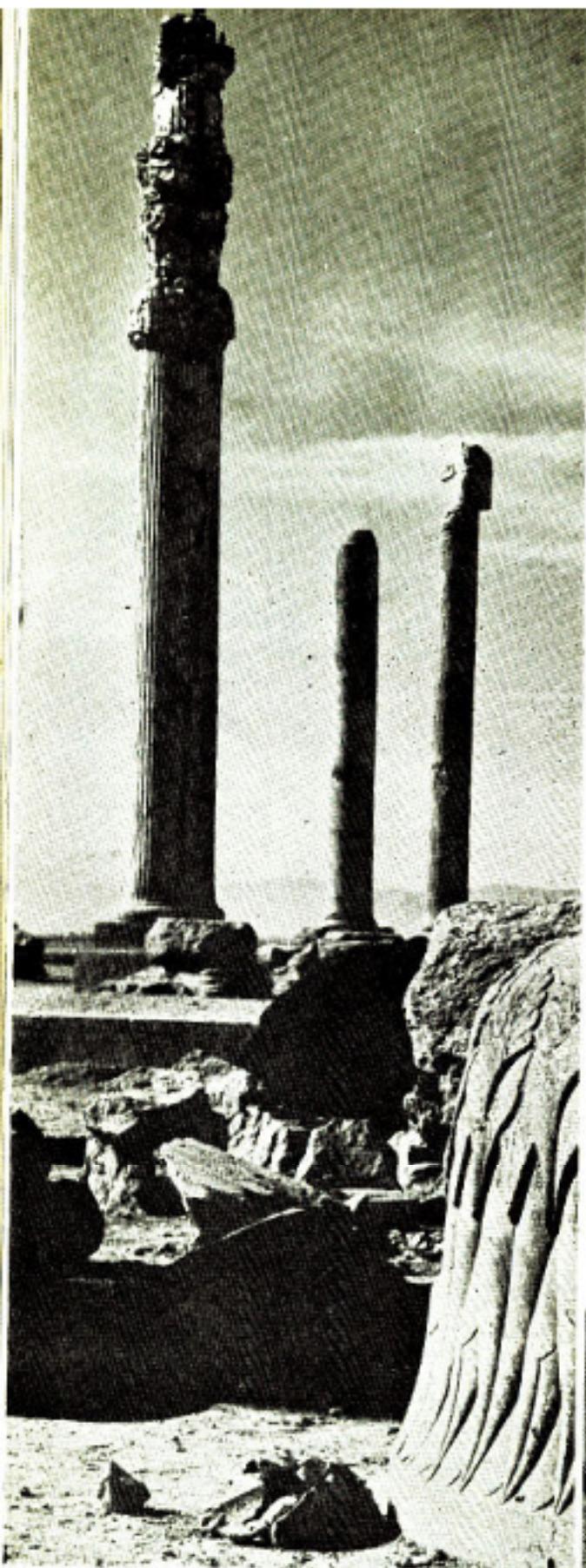


منظره عمومی تخت جمشید

در آن زمان ساختمان‌های ایران از غرب تا شرق با قوس‌ها و گنبد‌های خشتی بربا میکردد، این خانه‌های خشتی که هنوز هم کاهی نظایر آنرا در اطراف بزد و ورامین میتوان دید از بسیاری جهات با محیط و احتیاجات مردمی که در زیر آن زندگی میکرددند مناسب بود.

در جنوب و در بعضی قسمتهای مرکزی و شرقی ایران خانه‌های گنبد دار در قاستان خنک است و در زمان‌های هم به سبب قصور بودن دیوارهایش و عایق بودن گنبدها با گهواره‌ها گرم است، بسیار کم خرج است و مصالح آنرا در همه‌جا میتوان یافت، آثار ساختمانی مکشوف در چغازنبیل و در هفت تپه که از اواخر هزاره دوم پیش از میلاد است ننان میدهد که مطالقاً ستون چوبی یا سنگی و بامهای افقی مسطح بکار برده نمیشده است بقیه در صفحه ۵۱





Une vue de l'ensemble monumental de Persepolis.

مجموعه‌ای از سردرهای تخت جمشید



هنر و معماری